

سلسله گزارش شماره یک

دیدهبان خلاق

گزارش‌های توسعه اقتصادی و اشتغال محلی
OECD (LEED)

نقش بازآفرینی مبتنی بر فرهنگ
در تحول و توسعه مکان



مهمترین مطالبی که در این شماره می‌خوانید:

- از ۵۰ سال بازآفرینی مبتنی بر فرهنگ چه آموخته ایم؟
- شواهد مؤثر بودن بازآفرینی مبتنی بر فرهنگ چیست؟
- تقویت پذیرش و همراهی محلی از طریق هم‌آفرینی
- مقابله با اعیان‌سازی از طریق سرمایه‌گذاری در جوامع
- تعیین اهداف واقع‌بینانه و ترکیب رویکردها



گزارش‌های توسعه اقتصادی و اشتغال محلی

(LEED) OECD

نقش بازآفرینی مبتنی بر فرهنگ در تحول و توسعه مکان

The role of culture-led regeneration
in place transformation

سلسله گزارش شماره یک

دیده بان خلاق



مدیرمسئول: سیدصادق پژمان
مجری طرح: فرناز فروتن
مشاور طرح: محمد وجدانی
طراح و صفحه آرا: بهار فرزانه

تاریخ و نوبت انتشار:
شهریورماه ۱۴۰۵، شماره اول

چکیده

بازآفرینی مبتنی بر فرهنگ طی بیش از پنج دهه گذشته به عنوان یکی از راهبردهای پرکاربرد برای تحول و دگرگونی مکان‌ها مورد استفاده قرار گرفته است. این گزارش به بررسی و جمع‌بندی آنچه تاکنون درباره بازآفرینی فرهنگ محور شناخته شده می‌پردازد و مشخص می‌کند که این رویکرد در چه زمان‌هایی و به چه شیوه‌هایی با بیشترین موفقیت به کار گرفته شده است و در چه حوزه‌هایی همچنان خلأ شواهد و داده‌های تجربی وجود دارد.

این گزارش چهار شکل اصلی بازآفرینی مبتنی بر فرهنگ را مورد بررسی قرار می‌دهد:

- ◆ زیرساخت‌های فرهنگی فیزیکی در مقیاس بزرگ
- ◆ زیرساخت‌های فرهنگی مردمی و مبتنی بر جامعه محلی
- ◆ ناحیه‌ها و خوشه‌های فرهنگی و خلاق
- ◆ رویدادها و جشنواره‌های فرهنگی

این گزارش بخشی از پروژه گسترده‌تر "تحول مکان‌ها" است.

کلیدواژه‌ها

کلیدواژه‌ها			
بازآفرینی مبتنی بر فرهنگ	تحول مکان	نواحی خلاق	زیرساخت‌های فرهنگی

سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) یک سازمان بین‌دولتی چندرشته‌ای است که متشکل از کشورهای عضو بوده و در چارچوب فعالیت‌های خود، به طور فزاینده‌ای کشورهای غیرعضو از تمامی مناطق جهان را نیز درگیر می‌کند. مأموریت اصلی این سازمان در حال حاضر، کمک به دولت‌ها برای همکاری مشترک در جهت دستیابی به یک اقتصاد جهانی قوی تر، پاک‌تر و عادلانه‌تر است.

سازمان OECD از طریق شبکه‌ای از کمیته‌ها و گروه‌های کاری تخصصی، بستری را فراهم می‌کند که در آن دولت‌ها بتوانند تجربیات سیاستی خود را با یک‌دیگر مقایسه کنند، برای مسائل مشترک به دنبال پاسخ باشند، شیوه‌های موفق را شناسایی کنند و سیاست‌های داخلی و بین‌المللی را با یک‌دیگر هماهنگ سازند.

درباره سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD)

اطلاعات بیشتر

WWW.OECD.ORG

درباره مجموعه گزارش‌های توسعه اقتصادی و اشتغال محلی OECD (LEED)

گزارش‌های برنامه توسعه اقتصادی و اشتغال محلی OECD (LEED)، ایده‌های نوآورانه و نمونه‌های عملی را در زمینه چگونگی تقویت توسعه محلی و ایجاد اشتغال ارائه می‌کنند. این مجموعه طیف گسترده‌ای از موضوعات را پوشش می‌دهد، از جمله اشتغال و مهارت‌ها؛ کارآفرینی؛ اقتصاد اجتماعی و نوآوری اجتماعی؛ فرهنگ؛ و ظرفیت‌سازی محلی.

این مجموعه به طور ویژه بر سیاست‌هایی تمرکز دارد که از مکان‌ها و گروه‌های اجتماعی محروم حمایت می‌کنند؛ از جمله افراد کم‌مهارت، بیکاران، مهاجران، جوانان و سالمندان. این اثر تحت مسئولیت دبیرکل سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) منتشر شده است. دیدگاه‌ها و استدلال‌های ارائه شده در این گزارش لزوماً بازتاب‌دهنده نظرات رسمی کشورهای عضو OECD نیست.

این گزارش برای انتشار توسط لامیا کمال-چائویی¹، مدیر مرکز کارآفرینی، بنگاه‌های کوچک و متوسط، مناطق و شهرها در سازمان OECD، تأیید شده است. این سند، همچنین هرگونه داده آماری و نقشه درج شده در آن، بدون خدشه به وضعیت یا حاکمیت هر قلمرو، تعیین حدود مرزهای بین‌المللی و یا نام هر قلمرو، شهر یا منطقه ارائه شده است.

نویسندگی اولیه این گزارش توسط گراهام اوانز^۱، استاد ممتاز دانشگاه هنر لندن، و پاتریسیا کاشینسکا^۲، پژوهشگر ارشد دانشگاه هنر لندن انجام شده و ویرایش آن بر عهده مارتا بلوم^۳، اقتصاددان و تحلیلگر سیاستی در مرکز CFE سازمان OECD بوده است. این اثر تحت نظارت اکاترینا تراوکینا^۴، هماهنگ کننده حوزه فرهنگ، بخش های خلاق و رویدادهای جهانی در CFE، و همچنین تحت نظارت آنا روبین^۵ و کارن مگوایر^۶، رئیس بخش برنامه توسعه اشتغال و توسعه اقتصادی محلی (LEED)، تهیه شده است.

این گزارش همچنین از دیدگاه ها و پیشنهادهای تالیا ملیچ^۷، تحلیلگر سیاستی در CFE، و جفری فینکل^۸، رئیس و مدیرعامل پیشین شورای توسعه اقتصادی بین المللی بهره مند شده است. همچنین از مشارکت افراد زیر صمیمانه قدردانی میشود:

پیوتر فیرخ^۹، دانشیار دانشگاه آدام میتسکیهویچ؛
ماتیلد گوتو^{۱۰}، دانشجوی دکتری دانشگاه اکس-مارسی؛
دیانا مارسلا ری واسکز^{۱۱}، متخصص مستقل در مؤسسه آمار یونسکو و همچنین متخصص مستقل برنامه توسعه سازمان ملل متحد - عربستان سعودی؛
میا ناکامورا^{۱۲}، استاد سیاست فرهنگی و مدیریت هنر، دانشگاه کیوشو؛
جاناتان پاکت^{۱۳}، استاد دانشگاه اتاوا؛
سوزان سایفرت^{۱۴}، مدیر پروژه «تأثیر اجتماعی هنرها»، دانشگاه پنسیلوانیا؛
جن اسنوبال^{۱۵}، استاد دانشگاه رودز؛
مارک استرن^{۱۶}، استاد سیاست اجتماعی و تاریخ، دانشگاه پنسیلوانیا.
در نهایت، کاترینا بیکر^{۱۷}، مسئول ارتباطات، و جک واترز^{۱۸}، هماهنگ کننده انتشارات در OECD، مسئولیت آماده سازی نهایی گزارش برای انتشار را بر عهده داشته اند.

1- Graeme Evans
2- Patrycja Kaszynska
3- Martha Bloom
4- Ekaterina Travkina
5- Anna Rubin
6- Karen Maguire

7- Talia Melic
8- Jeffrey Finkle
9- Piotr Firycz
10- Mathilde Gouteux
11- Diana Marcela Rey Vásquez
12- Mia Nakamura

13- Jonathan Paquette
14- Susan Seifert
15- Jen Snowball
16- Mark Stern
17- Katrina Baker
18- Jack Waters



نقش باآفرینی مبتنی بر فرهنگ در تحول و توسعه مکان

The role of culture-led regeneration in place transformation



فهرست مطالب

قدردانی‌ها.....	صفحه ۱۱
خلاصه اجرایی.....	صفحه ۱۵
۱. مقدمه: تحول مکان و بازآفرینی مبتنی بر فرهنگ.....	صفحه ۱۹
۲. زیرساخت‌های فرهنگی فیزیکی بزرگ مقیاس.....	صفحه ۲۱
۳. زیرساخت‌های فرهنگی مردمی و مبتنی بر جامعه محلی.....	صفحه ۴۳
۴. نواحی فرهنگی.....	صفحه ۵۱
۵. رویدادهای فرهنگی.....	صفحه ۶۱
۶. جمع بندی: از ۵۰ سال بازآفرینی مبتنی بر فرهنگ چه آموخته ایم؟.....	صفحه ۶۹
شواهد مؤثر بودن بازآفرینی مبتنی بر فرهنگ چیست؟.....	
تقویت پذیرش و همراهی محلی از طریق هم آفرینی.....	صفحه ۷۰
مقابله با اعیان سازی از طریق سرمایه گذاری در جوامع.....	صفحه ۷۱
تعیین اهداف واقع بینانه و ترکیب رویکردها.....	صفحه ۷۲
تمرکز بر ارزیابی های طولی و فرایندمحور برای تقویت پایه شواهد.....	صفحه ۷۲
منابع.....	

صفحه ۲۳.....	کادر ۱-۲. استفاده مجدد از ساختمان های صنعتی متروکه
صفحه ۳۵.....	کادر ۲-۲. هزینه ها و بازده سرمایه گذاری در زیرساخت های فرهنگی فیزیکی
صفحه ۴۵.....	کادر ۱-۳. فضاهای جمعی تطبیقی به عنوان بسترهای بازآفرینی مبتنی بر فرهنگ
صفحه ۴۷.....	کادر ۲-۳. استفاده از فضاهای موقت برای صنایع خلاق
صفحه ۵۳.....	کادر ۱-۴. ناحیه هنری و طراحی عربین رانتا در هلسینکی، فنلاند
صفحه ۵۵.....	کادر ۲-۴. ناحیه فرهنگی آمستردام نورد، هلند
صفحه ۵۷.....	کادر ۳-۴. انتقال نهادهای فرهنگی عمومی به منظور توسعه خوشه ای
صفحه ۶۳.....	کادر ۱-۵. سه سالانه بین المللی هنر ستوچی، ژاپن
صفحه ۶۵.....	کادر ۲-۵. اثرات بلندمدت پایتخت های فرهنگی اروپا (ECOC)
صفحه ۶۷.....	کادر ۳-۵. تأثیر میزبانی رویدادها بر جوامع کوچک و روستایی

۲- مزایای سرمایه گذاری در زیرساخت های بزرگ مقیاس زمانی بیشینه می شود که با نیازهای مخاطبان و جامعه محلی هم راستا باشد.

امکانات و خدمات فرهنگی می توانند بازده های اجتماعی و اقتصادی ایجاد کنند و زمانی بیشترین موفقیت را دارند که با نیازهای واقعی جامعه محلی هم خوان باشند. این امکانات با طیفی از منافع اقتصادی و اجتماعی مرتبط دانسته شده اند؛ به گونه ای که نه تنها بازدیدکنندگان، بلکه نیروی کار ماهر و کسب و کارها را نیز جذب می کنند. با این حال، سرمایه گذاری در زیرساخت های فیزیکی بزرگ مقیاس می تواند پرهزینه باشد و همواره به نیازهای واقعی جامعه پاسخ ندهد. برای مثال، در برخی شهرها پیشنهاد ایجاد شعبه های موزه ای رد شده و به جای آن، توسعه فضاهایی با پیوند عمیق تر محلی در اولویت قرار گرفته است. افزون بر این، برای بسیاری از انواع زیرساخت های فرهنگی، مانند موزه ها و مراکز هنرهای نمایشی، باید هزینه های جاری بهره برداری نیز مدنظر قرار گیرد. در بسیاری از موارد، تغییر کاربری فضاهای موجود، مانند ساختمان های صنعتی متروکه، می تواند گزینه ای پایدارتر نسبت به احداث تأسیسات جدید باشد و با تکیه بر میراث یک مکان، چشم اندازی برای تحول آینده آن ترسیم کند.

۳- زیرساخت های فرهنگی مردمی و مبتنی بر جامعه محلی، بخش جدایی ناپذیر مکان های پویا و شکوفا هستند.

امکانات فرهنگی در مقیاس کوچک تر و گروه های اجتماعی نقش مهمی در تحول اقتصادی و اجتماعی ایفا می کنند. زیرساخت فرهنگی مردمی و مبتنی بر جامعه محلی هم شامل فضاهای تسهیلات فیزیکی و هم شبکه های مبتنی بر گروه هاست و با دسترسی آزاد، هزینه پایین، فضاهای کوچک و حس مالکیت و تعلق خاطر مردم محلی شناخته می شود. برای مثال، مراکز فرهنگی و کتابخانه ها به طور فزاینده ای برای اهداف توسعه ای گسترده تر مورد استفاده قرار می گیرند؛ از جمله ارائه آموزش و مهارت آموزی، حمایت شغلی و خدمات اطلاع رسانی. استفاده از فضاهای موقت برای فعالیت های فرهنگی می تواند راه کاری مفید برای کاهش خالی ماندن ساختمان ها و حمایت از گروه های مردمی باشد. همچنین مشخص شده است که تسهیلات فرهنگی مردمی، مانند سالن های کوچک موسیقی، از اکوسیستم های فرهنگی پویا پشتیبانی کرده و منافع اقتصادی ایجاد می کنند. با این حال، گروه های اجتماعی ممکن است به منابع فنی، قدرت تصمیم گیری و نفوذ کافی دسترسی نداشته باشند و بنابراین اغلب به حمایت نیاز دارند. ابزارهایی مانند بودجه ریزی مشارکتی و سازوکار «درصدی برای هنر»^۱ می توانند شیوه های مؤثری برای توانمندسازی توسعه فرهنگی و جامعه محور باشند.

۴- صرف نظر از این که نواحی خلاق به صورت خودجوش شکل بگیرند یا در نتیجه مداخله دولت ایجاد شوند، همگی به حمایت سیاستی نیاز دارند.

ترویج نواحی فرهنگی به عنوان یکی از سازوکارهای روزافزون بازآفرینی مبتنی بر فرهنگ شناخته می‌شود. به طور کلی دو نوع ناحیه فرهنگی وجود دارد: نخست، نواحی ترکیبی و چندمنظوره که به صورت تدریجی و خودجوش شکل گرفته و ریشه در مناطق تاریخی تولید فرهنگ دارند؛ و دوم، نواحی تازه توسعه یافته با تأسیسات نوساز. در مقایسه با سایر الگوهای بازآفرینی مبتنی بر فرهنگ، حمایت سیاستی از نواحی فرهنگی معمولاً بیش از آنکه متکی بر سرمایه‌گذاری کلان سرمایه‌ای باشد، بر اقدامات حمایتی (مانند مشوق‌های مالیاتی یا اجاره‌های یارانه‌ای) استوار است. سایر اقدامات حمایتی شامل پهنه‌بندی کاربری فرهنگی برای حفاظت از فضاهای خلاق، ترویج توسعه چندمنظوره و اجرای نظام‌های صدور مجوز انعطاف پذیر است.

۵- رویدادهای فرهنگی می‌توانند به عنوان کاتالیزوری برای سیاست‌های گسترده‌تر فرهنگی و توسعه‌ای عمل کنند.

رویدادها و جشنواره‌ها می‌توانند برای آغاز یک برنامه بازآفرینی یا به عنوان نقطه عطفی در یک راهبرد بلندمدت بازآفرینی مورد استفاده قرار گیرند. رویدادهای فرهنگی شامل جشنواره‌های یک باره یا تکرارشونده، همچنین بینال‌ها، نمایشگاه‌ها، برنامه‌های پایتخت فرهنگی و نیز نمایشگاه‌های تجاری هستند. حتی تلاش‌های ناموفق برای میزبانی رویدادها نیز نشان داده‌اند که می‌توانند محرک بازآفرینی مبتنی بر فرهنگ باشند؛ چراکه فرآیند رقابت برای رویدادهایی مانند پایتخت فرهنگی می‌تواند ذینفعان محلی را گرد هم آورد و تعهد به برنامه‌های بازآفرینی فرهنگی محور را تقویت کند، حتی اگر در نهایت پیشنهاد ارائه شده به موفقیت نرسد. با این حال، میزبانی یک رویداد فرهنگی به تنهایی بعید است به تحول مکان منجر شود، مگر آنکه این رویداد در دستورکارها و راهبردهای گسترده‌تر، مانند فرهنگ، گردشگری، آموزش و برنامه‌های اجتماعی، ادغام شده باشد.

۶- قرار دادن جوامع محلی در کانون تلاش های بازآفرینی می تواند ریسک ها را کاهش دهد.

همراهی و پذیرش جوامع محلی یک عامل حیاتی موفقیت در بازآفرینی مبتنی بر فرهنگ است. ابتکارات مؤثر معمولاً با درک عمیق از دارایی های فرهنگی موجود – چه ملموس و چه ناملموس – آغاز می شوند و از طریق حکمرانی مشارکتی، جمعیت محلی را به طور فعال درگیر می کنند. بدون چنین همراهی ای، پروژه ها در معرض مقاومت یا شکست قرار می گیرند، به ویژه زمانی که از بالا به پایین طراحی شده و بیش از منافع محلی، بر برندسازی بیرونی تمرکز داشته باشند. دستیابی به درک عمیق تر از دارایی های فرهنگی قابل استفاده در پروژه های تحول می تواند اشکال گوناگونی داشته باشد؛ از فعالیت های نقشه برداری فرهنگی برای شناسایی دارایی ها و نیازهای محلی گرفته تا حکمرانی مشورتی^۱، مانند مجامع شهروندی و همه پرسی ها، برای سنجش دیدگاه های جامعه. ریسک اعیان سازی^۲ یکی از انتقادهای رایج به بازآفرینی مبتنی بر فرهنگ بوده است، اما پیامدی اجتناب ناپذیر محسوب نمی شود.

اگرچه تلاش های بازآفرینی مبتنی بر فرهنگ می توانند تصویر یک شهر را بهبود بخشند و سرمایه گذاری را جذب کنند، اما ممکن است هم زمان به افزایش قیمت املاک و جابه جایی ساکنان اولیه و کنشگران فرهنگی نیز منجر شوند. برای مقابله با این پیامدها، سیاست گذاران می توانند اقداماتی حمایتی نظیر کنترل اجاره بها و اختصاص هدفمند مسکن اجتماعی در قالب پروژه های توسعه ای را اجرا کنند و در عین حال به حفاظت و صیانت از فضاهای فرهنگی برای استفاده جامعه محلی توجه داشته باشند. همکاری با سازمان های ارائه دهنده فضاهای کاری هنری و استودیویی به عنوان بخشی از مشارکت های بازآفرینی، و تدوین برنامه های مشخص ضد جابجایی، می تواند به شناسایی و کاهش آثار منفی کمک کند. همچنین نادیده گرفتن فرهنگ محلی و مردمی به نفع جلوه های نخبه گرایانه یا هنر والا می تواند به طرد اجتماعی و از دست رفتن فرصت ها برای تقویت انسجام اجتماعی از طریق مشارکت فرهنگی واقعی منجر شود.

می‌توان سیاست‌های بازآفرینی مبتنی بر فرهنگ را به طور کلی در چهار دسته اصلی طبقه‌بندی کرد:

◆ زیرساخت‌های فیزیکی بزرگ مقیاس:

این رویکرد شامل احداث موزه‌ها یا گالری‌های هنری جدید و پروژه‌های استفاده مجدد صنعتی است (مانند تبدیل کارخانه‌های سابق به مراکز فرهنگی). این نوع پروژه‌ها معمولاً ترکیبی از سرمایه‌گذاری عمومی و خصوصی را شامل می‌شوند. در چارچوب این رویکرد، سرمایه‌گذاری قابل توجه در یک پروژه شاخص فرهنگی با هدف تحریک سرمایه‌گذاری گسترده‌تر در منطقه و تغییر تصویر و شهرت یک مکان انجام می‌شود.

◆ زیرساخت‌های مردمی و مبتنی بر جامعه محلی:

این رویکرد هم شامل سرمایه‌گذاری در امکانات فرهنگی کوچک مقیاس (مانند کتابخانه‌ها، مراکز هنری محلی، فضاهای موسیقی مردمی و غیره) و هم ایجاد یا حمایت از گروه‌های اجتماعی (مانند کلاس‌های هنری، رویدادهای شبکه‌سازی، مراکز جوانان و غیره) است. در این چارچوب، توجه ویژه‌ای به حمایت از جامعه‌ای که از پیش در یک مکان وجود دارد معطوف می‌شود تا بتواند شکوفا شود، حس تعلق به مکان تقویت گردد و سایر پیامدهای اجتماعی حاصل شود.

◆ نواحی فرهنگی:

این رویکرد شامل سرمایه‌گذاری در ایجاد (یا حمایت از) نواحی، محله‌ها یا پهنه‌های فرهنگی جدید است که با هدف ایجاد یا پشتیبانی از یک خوشه جغرافیایی متمرکز از فعالیت‌های فرهنگی و خلاق شکل می‌گیرند. این نوع رویکرد معمولاً شامل نوعی مشوق مالی برای کسب و کارهای مستقر در این مناطق است (مانند کاهش نرخ‌های مالیاتی، اجاره‌های یارانه‌ای یا سایر اشکال مشوق‌های مالیاتی)، اما ممکن است با سرمایه‌گذاری مستقیم در زیرساخت‌های فرهنگی کوچک یا حتی بزرگ‌تر در همان منطقه نیز تکمیل شود؛ از جمله بازتوسعه ساختمان‌ها، ایجاد کارگاه‌ها و استودیوهای جدید، و راه‌اندازی «هاب‌های خلاق ۱» یا فضاهای کار اشتراکی.

◆ رویدادهای فرهنگی:

این رویکرد بر بهره‌گیری از یک رویداد فرهنگی بزرگ مقیاس (مانند پایتخت فرهنگی) یا جشنواره‌های منظم (مانند بینال‌ها) برای افزایش شناخته شدن یک مکان و تحریک سرمایه‌گذاری متمرکز دارد. در اینجا، خود رویداد معمولاً به عنوان کاتالیزوری برای حمایت‌های سیاستی گسترده تراز بخش‌های فرهنگی و خلاق، و همچنین سرمایه‌گذاری در برنامه‌های تداومی تلقی می‌شود. گاهی اوقات این رویدادها با پروژه‌های ساختمانی نیز همراه می‌شوند.

لازم به تأکید است، اگرچه هر یک از این الگوها ممکن است در یک زمان معین برای یک مکان خاص کم و بیش مناسب باشند، بسیاری از موفق‌ترین راهبردهای بازآفرینی مبتنی بر فرهنگ از بیش از یکی از این رویکردها استفاده می‌کنند. افزون بر این، شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد برخی مکان‌ها این رویکردها را به صورت متوالی به کار گرفته‌اند؛ برای مثال، ابتدا در زیرساخت‌های فیزیکی سرمایه‌گذاری کرده‌اند و سپس از آن برای میزبانی یک رویداد فرهنگی بزرگ مقیاس بهره برده‌اند. ادامه این گزارش هر یک از این چهار الگو را با جزئیات بیشتری بررسی می‌کند.

برندهای موزه‌ای به طور فزاینده‌ای برای توسعه شعب منطقه‌ای و اعطای امتیاز مورد استفاده قرار می‌گیرند. برای مثال، گوگنهایم، ویکتوریا و آلبرت (V&A) و لوور همگی دارای چندین سایت در کشورهای مبدأ خود و نیز شعب بین‌المللی هستند. این گسترش‌ها به عنوان راهبردی برای دستیابی به مخاطبان گسترده‌تر و همچنین افزایش ظرفیت نگهداری مجموعه‌های آرشیوی موزه‌ها عمل می‌کنند. ظرفیت بازآفرینانه این رویکرد در ارتقای شناخت و تداعی برند فرهنگی و مکانی، و همچنین ایجاد فرصت‌های شبکه‌سازی میان نهادهای درگیر نهفته است. با این حال، مقامات شهر میزبان باید این مزایا را در برابر هزینه‌های مورد نیاز برای تأمین سهم خود در هزینه‌های سرمایه‌ای و جاری بسنجند؛ از جمله هرگونه هزینه سالانه اعطای امتیاز و اجاره، و همچنین هزینه فرصت ناشی از عدم توسعه برنامه‌ها و تسهیلات فرهنگی محلی که می‌توانند ریشه دارتر در اکوسیستم فرهنگی محلی باشند و حمایت بهتری از اقتصاد فرهنگی محلی فراهم آورند. برای نمونه، شهر هلسینکی در فنلاند، بنا بر گزارش‌ها، پس از پنج سال بررسی، پیشنهاد ایجاد یک شعبه جدید از گوگنهایم را که مستلزم مشارکت ۸۰ میلیون یورویی برای ساخت وساز به علاوه هزینه‌های سالانه اعطای امتیاز بود، رد کرد (هنلی^۱، ۲۰۱۶). در عوض، این شهر تصمیم گرفت در موزه جدید معماری و طراحی خود در منطقه بندر جنوبی سرمایه‌گذاری کند؛ موزه‌ای که با ادغام موزه طراحی موجود و موزه معماری فنلاند و مجموعه‌های مربوطه، قرار است در سال ۲۰۳۰ افتتاح شود.

تأثیر تحول آفرین پروژه‌های بازتوسعه می‌تواند در احیای فضاهایی که ساکنان پیوند و تعلق عمیقی با آنها دارند، بسیار چشم‌گیر باشد. سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های فرهنگی همچنین می‌تواند سایت‌های متروکه و ناامن را دوباره زنده کند، دسترسی عمومی را بازگشایی نماید و تجربه‌های مثبت ایجاد کند؛ به ویژه در مناطقی که دچار افول ساختاری اقتصادی و کالبدی شده‌اند. این امر به طور خاص برای سایت‌های فیزیکی ای صادق است که در گذشته نقشی بنیادین در حیات اقتصادی و اجتماعی یک مکان ایفا کرده‌اند و به عنوان نمادهای هویت صنعتی پیشین شناخته می‌شوند، حتی سال‌ها پس از صنعتی زدایی. زمانی که چنین ساختمان‌هایی خالی یا رو به زوال باشند، این وضعیت می‌تواند روایت‌های محلی فقدان و افول را تداوم بخشد، احساس سرخوردگی و نارضایتی را تشدید کند و مانع شکل‌گیری یک چشم‌انداز مشترک از پیشرفت شود که ساکنان بتوانند با آن هم ذات‌پنداری کنند (گورمار و کینوسیان، ۲۰۲۲). بازآفرینی فیزیکی چنین مکان‌هایی می‌تواند به تلاش‌های گسترده‌تر برای بازاندیشی هویت یک مکان و ساخت روایتی آینده‌نگرانه‌تر و امیدوارکننده کمک کند (گورمار و کینوسیان، ۲۰۲۲). بهره‌گیری از میراث فرهنگی یک مکان در بازآفرینی این سایت‌ها می‌تواند به ویژه معنادار باشد، زیرا زمانی که مکان‌ها به تاریخ خود رجوع می‌کنند، این امر اغلب به عنوان پایه‌ای قوی برای شکل‌گیری هویت عمل می‌کند. تعریف چشم‌اندازی از اینکه «چه کسی هستند» و «به کجا می‌خواهند بروند» (رجوع شود به کادر ۱-۲).

در یک نمونه، پارک‌های طبیعی شاخص که شامل آثار هنری خلق شده در بستر چشم‌انداز صنعتی منطقه معدنی سابق دره روهر^۳ بودند، به شکل‌گیری روایت تحول زیست محیطی کمک کرده و این منطقه را به عنوان یک «کلان شهر سبز» بازآفرینی کردند (آیرینگ هاوس، ۲۰۲۲). حفظ عناصر موجود در چشم‌انداز که ادای احترام به تاریخ صنعتی جمعی دره روهر می‌کردند نیز به تقویت هویت منطق‌های کمک کرده است (آیرینگ هاوس، ۲۰۲۲).



کادر ۱-۲

استفاده مجدد از ساختمان‌های صنعتی متروکه

بازآفرینی فضاهای صنعتی بلااستفاده و تبدیل آنها به دارایی‌های فرهنگی، یکی از سازوکارهای رایج بازآفرینی مبتنی بر فرهنگ است. در حالی که برخی سایت‌های صنعتی متروکه حفظ شده و به موزه‌ها یا جاذبه‌های گردشگری تبدیل شده‌اند (که این امر برای حفاظت میراث فرهنگی اهمیت دارد)، استفاده مجدد از فضاهای صنعتی قدیمی در پروژه‌های تحول مکانی معمولاً به معنای بکارگیری این فضاها برای تولید یا اشاعه هنری است؛ مانند ایجاد سینماهای جدید، گالری‌های هنری یا آتلیه‌های هنری. مقیاس میراث صنعتی به عنوان بستری برای بازآفرینی فرهنگی می‌تواند از استفاده مجدد از کارخانه‌های کوچک تا چندین سایت بزرگ متغیر باشد و این فضاها می‌توانند از طریق مدل‌های مختلف و برای اهداف گوناگون فعالیت کنند.

در صفحات بعد، روایت چهار تجربه بازآفرینی فرهنگ محور را خواهید یافت.
هر روایت هم خواندنی است و هم شنیدنی.



فروش لابل دومی



گالری چوک‌ارنا



سی-ماین



هنگار

لطفاً اسکن کنید



«از میراث صنعتی تا فضای خلاق»

این کدها شما را به روایت‌های صوتی کادر ۱-۲ هدایت می‌کند.

با شنیدن این روایت‌ها در چند دقیقه با ایده‌ها، تجربه‌ها و پیام‌های اصلی آشنا می‌شوید.

فریش لا بل دو می



مارسی، فرانسه

MARSEILLE, FRANCE



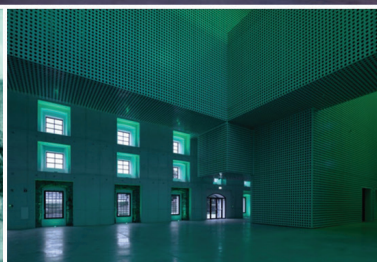
فریش لا بل دو می، مارسی، فرانسه : این مجموعه که از یکی از بزرگ‌ترین کارخانه‌های دکانیات فرانسه (تعطیل شده در سال ۱۹۹۰) تبدیل شده است، فضایی برای کار هنرمندان و سازمان‌های هنری و همچنین یک مکان هنری میان رشته‌ای محسوب می‌شود. این سایت شامل فضاهای اجرا، باغ اجتماعی، زمین بازی و فضای ورزشی، رستوران، کتاب فروشی، امکانات نگهداری از کودک، فضاهای نمایشگاهی و مرکز آموزش است و در کنار آن، فضای کارگاهی برای نقاشان، مجسمه‌سازان، بازیگران، عکاسان و تهیه‌کنندگان فراهم می‌کند. از سال ۲۰۰۷، این فضا توسط یک «تعاونی با منافع جمعی» اداره می‌شود؛ یک شرکت تجاری خصوصی که به صورت تعاونی فعالیت می‌کند و تصمیم‌گیری در آن به شکل جمعی انجام می‌شود.

گالری چوکرارنا



لیوبلیانا، اسلوونی

LJUBLJANA, SLOVENIA



این گالری که در اصل یک کارخانه قند ساخته شده در سال ۱۸۲۸ بود، اکنون یک گالری هنر معاصر عمومی و فضای چنددهنری است. این کارخانه که زمانی بزرگ ترین پالایشگاه قند در امپراتوری اتریش-مجارستان بود، در سال ۱۸۵۸ تعطیل شد و سپس به عنوان پادگان نظامی و سکونت گاه غیررسمی مورد استفاده قرار گرفت، تا اینکه در دهه ۱۹۹۰ به دلیل وضعیت نامناسب ساختمان بسته شد. در سال ۲۰۰۸، شهرداری لیوبلیانا این ساختمان را خریداری کرد و پس از بازسازی گسترده، گالری جدید در سال ۲۰۲۱ افتتاح شد. مدیریت این گالری بر عهده موزه ها و گالری های لیوبلیانا است که یک نهاد عمومی محسوب می شود.

C-MINE

سی-ماین



گنک، بلژیک

GENK, BELGIUM



این معدن زغال سنگ سابق در سال ۲۰۰۱ توسط شهر گنک خریداری شد و برای استفاده به عنوان یک مجموعه چندهنری بازآفرینی گردید. تمام بخش‌های معدن قدیمی مورد استفاده مجدد قرار گرفته‌اند؛ از جمله دفاتر سابق معدن که اکنون میزبان یک مرکز رشد برای خلاقان جوان است، اصطبل‌های قدیمی که به فضاهای تجاری تبدیل شده‌اند، و حمام‌ها و اتاق‌های لامپ که معدنچیان پیش از ورود به زیرزمین در آنها چراغ و شماره خود را دریافت می‌کردند و اکنون به مجموعه‌ای از سینماها، کسب‌وکارها و فضاهای پذیرایی تبدیل شده‌اند. نیروگاه، اتاق کمپرسور سابق و اتاق‌های تهویه اکنون محل پذیرش بازدیدکنندگان، مرکز فرهنگ و طراحی و یک رستوران هستند. اتاق‌های موتور سابق بازسازی شده و دو سالن تئاتر به ساختمان‌ها افزوده شده است. سالن بارن، که پیشتر نیروگاه معدن بود، اکنون به عنوان سالن رویداد برای شرکت‌ها استفاده می‌شود. این سایت همچنین شامل آتلیه‌های هنری، مراکز آموزش هنر و فضاهای گالری است.

هنگار



بارسلونا، اسپانیا

BARCELONA, SPAIN



از دهه ۱۹۹۰، این شهر در نتیجه بازآفرینی‌های بزرگ‌مقیاس، بخش زیادی از فضاهای صنعتی و کارگاهی خود را از دست داده بود و علی‌رغم توسعه فضاهای نمایش فرهنگی جدید مانند گالری‌های شاخص و موزه‌های هنری، حمایت یا فضای اندکی برای تولید هنری محلی وجود داشت. یک انجمن هنری مردمی با نام ^۲ AAVC یک کارخانه نساجی متروکه را در منطقه پوبلنو^۳ شناسایی کرده و آن را برای استفاده به عنوان آتلیه و مرکز منابع اشغال کرد و پس از بازسازی، در سال ۱۹۹۷ مجدداً افتتاح نمود. هنگار دامنه فعالیت خود را گسترش داد و از طریق همکاری با یک گروه تئاتری، رقص و چندرسانه‌ای را نیز دربر گرفت؛ با ایجاد یک مدیالاب^۴ و توسعه منابع پس تولید همراه با آموزش هنرمندان در این حوزه نوظهور. در اوایل دهه ۲۰۰۰، این گروه به وضعیت بنیاد^۵ دست یافت و از طریق کمک‌های مالی هنرمندان شناخته شده، دارایی‌هایی را به دست آورد که اکنون مجموعه بنیاد را تشکیل می‌دهند. افزودن یک آزمایشگاه تعامل^۶ برای ارائه آموزش‌های فنی، یک برنامه یادگیری مادام‌العمر برای هنرمندان تجسمی، و همکاری با انجمن‌های محلی ساکنان، به توسعه بیشتر مجموعه منجر شد؛ به گونه‌ای که شامل یک صحنه صوتی، فضای آزمایشگاهی/تحقیق و توسعه (R&D) و برنامه اقامت هنرمندان شد و این فضای صنعتی متروکه را به مکانی برای تولید و مشارکت فرهنگی تبدیل کرد.

پیوست سیاستی کادر ۱



استفاده مجدد از ساختمان‌های صنعتی متروکه با رویکرد بازآفرینی فرهنگ محور در ایران

۱- پیام سیاستی

تجربه‌های بین‌المللی نشان می‌دهد که بازآفرینی ساختمان‌های صنعتی متروکه از طریق کاربری‌های فرهنگی، یکی از کم‌هزینه‌ترین و در عین حال پایدارترین ابزارهای بازآفرینی شهری است. این رویکرد، بدون نیاز به تخریب گسترده یا سرمایه‌گذاری‌های سنگین زیرساختی، می‌تواند به‌طور هم‌زمان به حفظ میراث صنعتی، تقویت اقتصاد خلاق، افزایش مشارکت اجتماعی و ارتقای تصویر شهری منجر شود.

در ایران، با توجه به گستردگی فضاهای صنعتی بلااستفاده و محدودیت منابع مالی عمومی، سیاست "استفاده مجدد تطبیقی" ^۱ با محوریت فرهنگ می‌تواند به‌عنوان یک راهبرد عملیاتی و مرحله‌پذیر در دستور کار مدیریت شهری و فرهنگی قرار گیرد. این الگو، به‌ویژه برای شهرهایی با میراث صنعتی گسترده و منابع مالی محدود، راه کاری عملی و تدریجی محسوب می‌شود. بازآفرینی ساختمان‌های صنعتی متروکه با رویکرد فرهنگ‌محور، نه یک پروژه نمادین، بلکه یک فرآیند تدریجی و یادگیرنده است. در ایران، موفقیت این رویکرد بیش از آنکه به سرمایه‌گذاری‌های بزرگ وابسته باشد، به سیاست‌گذاری منعطف، مشارکت محلی و تداوم برنامه‌ها بستگی دارد؛ همان عناصری که در تجربه‌های بین‌المللی این کادر، به‌عنوان عوامل کلیدی موفقیت شناخته شده‌اند.

۲- انطباق کادر ۱ با شرایط ایران

مطابق کادر ۱ گزارش OECD، بازآفرینی موفق فضاهای صنعتی متروکه واجد ویژگی‌های زیر است:

- ۲-۱- استفاده مجدد تطبیقی به جای تخریب
- ۲-۲- حفظ و بازخوانی میراث صنعتی و هویت مکان
- ۳-۲- کاربری‌های چندمنظوره فرهنگی-اجتماعی
- ۴-۲- حکمرانی مشارکتی و تصمیم‌گیری جمعی
- ۵-۲- اتصال به اقتصاد خلاق، آموزش و گردشگری فرهنگی

بررسی شواهد موجود در ایران نشان می‌دهد که این شرایط، دست‌کم به‌صورت بالقوه، در بسیاری از شهرهای بزرگ و متوسط کشور وجود دارد.



۳- بازآفرینی فرهنگ محور در ایران، تطبیق تجربه‌های جهانی با کارخانه‌های سیمان ری و جنوب یزد.

۱-۳- کارخانه سیمان ری؛ میراث صنعتی خاموش در آستانه بازآفرینی



۱-۱-۳- معرفی و تاریخچه

کارخانه سیمان ری به‌عنوان نخستین کارخانه سیمان ایران، یکی از شاخص‌ترین نمادهای آغاز صنعتی‌شدن کشور محسوب می‌شود. این کارخانه در ۸ دی ۱۳۱۲ به‌طور رسمی افتتاح شد و با ظرفیت اولیه حدود ۱۰۰ تن سیمان در روز، نقش مهمی در تأمین مصالح پروژه‌های عمرانی تهران و مناطق پیرامونی ایفا کرد (ویکی-پدیا). استقرار این واحد صنعتی در جنوب تهران و در محدوده شهرری، در زمان خود پاسخی به نیازهای زیرساختی پایتخت در حال گسترش بود. در دهه‌های بعد، کارخانه سیمان ری به یکی از قطب‌های مهم تولید سیمان در کشور تبدیل شد و علاوه بر کارکرد اقتصادی، در شکل‌گیری هویت صنعتی جنوب تهران نقش مؤثری داشت (عصریран، ۱۴۰۳).

۲-۱-۳- موقعیت مکانی و ویژگی‌های کالبدی

سایت کارخانه سیمان ری در جنوب تهران، منطقه ۲۰ (شهرری) و در محدوده محله صفائیه واقع شده است (ویکی پدیا). این مجموعه در نزدیکی محورهای ارتباطی مهمی نظیر خیابان فدائیان اسلام و راه‌های دسترسی جنوب تهران قرار دارد و از منظر پیوند با شبکه شهری، موقعیتی راهبردی دارد. بر اساس مطالعات معماری و شهرسازی انجام‌شده بر روی این سایت، مساحت تقریبی مجموعه حدود ۹۰ هزار مترمربع برآورد شده است و شامل عناصر شاخص صنعتی مانند کوره‌ها، سوله‌های بزرگ، انبارها، ساختمان‌های اداری و تأسیسات فنی است (درگی پارک^۲، ۲۰۲۳). ساختارهای صنعتی مقاوم، پلان‌های باز و ارتفاع زیاد فضاها، از ویژگی‌هایی هستند که امکان استفاده مجدد تطبیقی این سایت را فراهم می‌کنند.

۳-۱-۳- دلایل توقف فعالیت صنعتی

فعالیت تولیدی کارخانه سیمان ری در دهه ۱۳۶۰ به‌تدریج متوقف شد. مهم‌ترین عوامل این توقف شامل پیامدهای زیست‌محیطی ناشی از گردوغبار و آلودگی هوا، گسترش بافت‌های مسکونی پیرامون کارخانه، و فرسودگی تجهیزات تولیدی بود که نوسازی آن‌ها در همان مکان توجیه اقتصادی نداشت (عصریран، ۱۴۰۳). در نتیجه، ظرفیت تولید به کارخانه‌های جدیدتر در خارج از محدوده شهری منتقل شد و سایت سیمان ری از چرخه تولید صنعتی خارج گردید.

واحدهای تولیدی تا اواخر ۱۳۶۲ فعال بودند؛ تولید در اسفند ۱۳۶۲ متوقف شد و مجموعه در ۱۳۶۳ رسماً تعطیل شد. بخش‌هایی از کارخانه به دلیل کم‌توجهی در طی سالیانی که فعالیت نداشت، به مرور تخریب شد.

۳-۱-۴- ثبت ملی و تبدیل به موزه

کارخانه سیمان ری در ۱۴ آذر ۱۳۹۷ با شماره ثبت ۳۲۷۲۳ در فهرست آثار ملی به ثبت رسید. در همان سال هیأت وزیران، حق بهره‌برداری و بازآفرینی این مجموعه را با هدف مرمت و تبدیل به «موزه صنعت سیمان و مجموعه فرهنگی-اجتماعی» برای مدت ۳۰ سال به شهرداری تهران واگذار و برای طرح بازآفرینی کارخانه سیمان ری یک مسابقه بین‌المللی ایده‌پردازی و طراحی برگزار شد. فاز نخست موزه سیمان ری در ۳ دی ۱۴۰۱ افتتاح شد. فاز اول شامل حدود ۵ هزار متر مربع محوطه باز، ۲ هزار متر مربع فضای کار اشتراکی، ۹۰۰ متر مربع گالری و مرکز اسناد و ۱ هزار متر مربع موزه صنعت است. روند بازآفرینی کامل مجموعه ادامه دارد.

۵-۱-۳- ظرفیت‌ها و چشم‌انداز بازآفرینی فرهنگ‌محور

مطابق الگوهای بین‌المللی بازآفرینی فضاهای صنعتی، کارخانه سیمان ری از ظرفیت‌های قابل‌توجهی برای تبدیل به یک مجموعه فرهنگی برخوردار است. جایگاه تاریخی آن به‌عنوان نخستین کارخانه سیمان کشور، امکان روایت تاریخ صنعت و مدرنیزاسیون ایران را فراهم می‌کند. مقیاس بزرگ و انعطاف‌پذیر سایت، امکان استقرار هم‌زمان کاربری‌هایی نظیر موزه میراث صنعتی، فضاهای نمایشگاهی، کارگاه‌های هنری، مراکز آموزش و نوآوری خلاق و فضاهای رویدادی را به‌صورت مرحله‌ای فراهم می‌سازد (درگی پارک، ۲۰۲۳). همچنین، هم‌جواری این مجموعه با عناصر تاریخی و فرهنگی شهری می‌تواند به شکل‌گیری مسیرهای گردشگری فرهنگی-صنعتی منجر شود (عصریран، ۱۴۰۳).



۲-۳- کارخانه جنوب یزد؛ از موتور نساجی شهر تا موزه «تار و پود»

۱-۲-۳ معرفی و تاریخچه

کارخانه ریسندگی و بافندگی جنوب یزد یکی از شاخص‌ترین یادگارهای صنعت نساجی در یزد است که به گفته گزارش‌های خبری، بیش از ۷۰ سال پیش در شهر یزد برپا شد و در سال ۱۳۲۹ خورشیدی به بنیان‌گذاری رضا صراف‌زاده یزدی تأسیس شد. محصول کارخانه طبق آمارهای موجود ۹۰۰ بچه بود و نزدیک به ۷۰۰ نفر در آن اشتغال داشتند؛ نشانه‌ای از جایگاه اقتصادی و اجتماعی این مجموعه در دوره رونق نساجی یزد.

۲-۲-۳ موقعیت مکانی و ویژگی‌های کالبدی

کارخانه جنوب در شهر یزد، خیابان آیت‌الله کاشانی، روبه‌روی پارک هفتم‌تیر و در کنار موزه نور و روشنائی (قصر آینه) قرار دارد. براساس گزارش ایسنا، این کارخانه دارای مساحت ۴۵،۵۰۰ مترمربع و زیربنای ۱۳،۶۵۰ مترمربع است.

۳-۲-۳ ویژگی‌های کالبدی شاخص

- ♦ مصالح و ساختار کالبدی متشکل از آجر، گچ و گل‌آهک و کف با موزاییک بتنی
- ♦ وجود ۷۰ ستون مربعی با ارتفاع نزدیک به ۳ متر و پوشش طاق آهنگ با دو خیز متفاوت
- ♦ برج تهویه/خنک‌کننده به‌عنوان عنصر نمادین سایت که ارتفاع آن حدود ۲۰ متر ذکر شده است.

۴-۲-۳ دلایل توقف فعالیت صنعتی

کارخانه در سال ۱۳۵۷ با حکم دادگاه انقلاب مصادره شد و تا سال ۱۳۸۰ در اختیار بنیاد مستضعفان بود و پس از آن تعطیل شد. این کارخانه پس از دوره‌ای طولانی از «وضعیت نامشخص» و «بیش از دو دهه متروک ماندن»، وارد مسیر تغییر کاربری شد.

۵-۲-۳ روند تبدیل به موزه

- ♦ مسیر تبدیل کارخانه جنوب به موزه با چند گام نهادی روشن شده است:
- ♦ در سال ۱۴۰۱ بنیاد مستضعفان تصمیم گرفت بخشی از فضای کارخانه به «موزه تار و پود» (یا موزه فرش) تبدیل شود.
- ♦ در سال ۱۴۰۲، شهرداری یزد این بخش را برای بهره‌برداری موزه‌ای به مدت ۵۵ سال به مؤسسه فرهنگی موزه‌های بنیاد مستضعفان واگذار کرد.
- ♦ طبق گزارش ایسنا، مرمت یکی از ساختمان‌ها به وسعت حدود ۶ هزار مترمربع از تابستان ۱۴۰۲ آغاز شد و تا زمان گزارش (دی ۱۴۰۳) پروژه در مرحله تجهیز بوده و ۹۵ درصد پیشرفت ذکر شده است.
- ♦ خبرگزاری ایرنا نیز در گزارش افتتاح، به تکمیل ۶۱۰۰ مترمربع از فضای کارخانه برای موزه اشاره می‌کند و از راه‌اندازی سریع آن سخن می‌گوید.

۶-۲-۳ وضعیت کنونی و خروجی‌های موزه‌ای

از منظر محتوایی، طبق گزارش ایسنا «در موزه تار و پود» قرار است مجموعه‌ای از فرش‌ها و قالیچه‌ها (از دوره قاجار و متأخر) و نیز پارچه‌ها و دست‌بافته‌ها (از جمله ترمه، دارایی و دست‌بافته‌های مناطق کویری و مرکزی و نیمه‌جنوبی ایران) به نمایش درآید؛ همچنین به ایجاد فضاهای بازنمایی کارگاه‌ها و امکان «مشارکت/تعامل بازدیدکننده» اشاره شده است. گزارش ایرنا نیز علاوه بر نمایش منسوجات، به احیای کارگاه‌های پارچه‌بافی قدیمی و نمایش/احیای برخی گونه‌های دست‌بافته اشاره می‌کند. در کنار منابع خبری، ثبت‌های مکانی شهری نیز نشان می‌دهند این مکان با عنوان «موزه تار و پود» در نقشه‌های محلی معرفی شده است.



۳-۲-۷- ظرفیت‌ها و چشم‌انداز بازآفرینی فرهنگ‌محور

کارخانه جنوب یزد از چند جهت برای بازآفرینی فرهنگ‌محور ظرفیت راهبردی دارد:

هویت صنعتی- فرهنگی هم‌زمان: این مجموعه هم یک «فضای تولید» بوده و هم اکنون ظرفیت تبدیل شدن به «فضای روایت» دارد؛ گزارش ایسنا حتی به تدوین «تاریخچه شفاهی کارخانه» به‌عنوان سند اشاره می‌کند.

مقیاس مناسب برای فازبندی: مرمت مرحله اول حدود ۶ تا ۶۰۱ هزار مترمربع را پوشش داده، در حالی که کل سایت بسیار بزرگ‌تر است؛ این یعنی امکان توسعه تدریجی و کم‌ریسک (از یک فاز موزه‌ای شروع و سپس گسترش به آموزش، رویداد، بازار صنایع‌دستی و ...).

هم‌جواری با مقصدهای فرهنگی موجود: قرارگیری در کنار موزه نور و روشنایی (قصر آینه) و روبه‌روی پارک هفتم‌تیر ظرفیت «خوشه فرهنگی/گردشگری» ایجاد می‌کند و به تقویت جریان بازدید کمک می‌کند.

معماری قابل روایت و تبدیل‌پذیر: وجود عناصر شاخص مانند برج تهویه با الهام از بادگیرهای یزد و سازه طاق آهنگ، خود یک «زبان روایت» برای پیوند میراث معماری و میراث صنعتی است.

۴- راهبردهای سیاستی پیشنهادی

تعریف پهنه‌های بازآفرینی فرهنگ‌محور در اسناد بالادستی و طرح‌های تفصیلی، با ضوابط انعطاف‌پذیر کاربری.

مدل‌های مشارکت عمومی-خلاق با مشارکت شهرداری، مالکان، هنرمندان و نهادهای فرهنگی.

مشوق‌های اقتصادی هدفمند مانند معافیت مالیاتی موقت، یارانه اجاره برای فعالیت‌های فرهنگی-خلاق.

حکمرانی محلی و مشارکتی، ایجاد هیأت‌های مدیریت محلی مشابه الگوهای بین‌المللی.

۵- پیش‌بینی نتایج بازآفرینی فرهنگ‌محور

بر اساس الگوهای بین‌المللی مشابه کادر ۱، انتظار می‌رود اجرای این رویکرد در ایران به نتایج زیر منجر شود:

کوتاه‌مدت:

- ◆ فعال‌سازی فضاهای رهاشده بدون تخریب
- ◆ افزایش حضور شهروندان و هنرمندان در مناطق کم‌برخوردار
- ◆ بهبود تصویر ذهنی این مناطق در سطح شهر

میان‌مدت:

- ◆ شکل‌گیری خوشه‌های کوچک صنایع فرهنگی و خلاق
- ◆ ایجاد فرصت‌های شغلی غیرمستقیم در حوزه فرهنگ، گردشگری و خدمات
- ◆ تقویت همکاری میان هنرمندان، نهادهای محلی و مدیریت شهری

بلندمدت:

- ◆ تثبیت هویت فرهنگی جدید برای محله‌ها و شهرها
- ◆ تقویت گردشگری، افزایش تاب‌آوری اقتصادی و اجتماعی مناطق بازآفرینی‌شده
- ◆ کاهش فشار بر توسعه کالبدی جدید از طریق استفاده مجدد از دارایی‌های موجود

این پیوست نشان می‌دهد که الگوی بازآفرینی فرهنگ‌محور فضاهای صنعتی متروکه، نه تنها در سطح نظری، بلکه از منظر نهادی، کالبدی و اجتماعی، در ایران نیز قابلیت اجرا دارد. بهره‌گیری از این ظرفیت می‌تواند پلی میان سیاست‌های بازآفرینی شهری، اقتصاد خلاق و توسعه فرهنگی پایدار ایجاد کند.

فهرست منابع

- ایرنا. (۱۴۰۲). افتتاح موزه تار و پود یزد. خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران.
- ایسنا. (۱۳۹۹). تبدیل کارخانه سیمان ری به موزه و مجموعه مبتنی بر فرهنگ. خبرگزاری دانشجویان ایران.
- ایسنا. (۱۴۰۳). سرنوشت کارخانه جنوب پس از یک خواب طولانی. خبرگزاری دانشجویان ایران.
- عصریران. (۱۴۰۳). چرا کارخانه سیمان ری تعطیل شد؟ پایگاه خبری عصریران.
- BALAD.IR. موزه تار و پود (کارخانه جنوب سابق)، یزد.
- .ADAPTIVE REUSE OF REY CEMENT FACTORY. JOURNAL OF URBAN STUDIES. (۲۰۲۳). DERGIPARK
- .CULTURE-LED REGENERATION AND INDUSTRIAL HERITAGE. OECD PUBLISHING. (۲۰۲۳). OECD

پژوهش‌ها نشان می‌دهند که تعداد پروژه‌های زیرساخت فرهنگی در دهه اخیر افزایش یافته است، اما میزان سرمایه‌گذاری در این پروژه‌ها کاهش پیدا کرده است (AEA، ۲۰۲۳). بر اساس برآوردهای^۱ AEA، تعداد پروژه‌های تکمیل شده زیرساخت فرهنگی بزرگ مقیاس (با هزینه ۱۰ میلیون دلار یا بیشتر) در سطح جهانی بین سال‌های ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۳ به طور متوسط سالانه ۱۰ درصد افزایش یافته است. با این حال، ارزش کل سرمایه‌گذاری در این پروژه‌ها به طور متوسط سالانه ۶ درصد کاهش یافته است. این امر بازتاب دهنده گرایش به سمت پروژه‌های کم هزینه تر و کوچک مقیاس تر است، به طوری که میانگین زیربنای پروژه‌های ساختمانی نیز کاهش یافته است.

شواهدی از وجود ارتباط میان امکانات فرهنگی و توسعه اقتصادی وجود دارد، هرچند همه سرمایه‌گذاری‌ها در تأسیسات فرهنگی بزرگ الزاماً به رشد اقتصادی منجر نمی‌شوند. استدلال رایج برای سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های فرهنگی بزرگ این است که چنین امکاناتی نه تنها بازدیدکنندگان، بلکه نیروی کار ماهر را نیز جذب می‌کنند؛ افرادی که ترجیح می‌دهند در مکان‌هایی با صحنه فرهنگی پویا مستقر شوند (فلوریدا، ۲۰۰۲).^۲ این امر به نوبه خود موجب تقویت اشتغال و توسعه کسب و کار می‌شود. برای مثال، یک مطالعه بر روی ۷۰۶ خوشه صنعتی در ۱۶۰ شهر کره نشان داد که امکانات فرهنگی رابطه مثبت با رشد اشتغال دارند و زیرساخت فرهنگی در بلندمدت محرک مهم تری برای رشد اشتغال نسبت به سایر امکانات، از جمله مسکن، طبیعت یا حمل و نقل بوده است (کیم، لی و کیم، ۲۰۲۴).^۳ به طور مشابه، یک مطالعه طولی درباره بنگاه‌ها و نیروی کار خلاق در هلند نشان می‌دهد که میراث فرهنگی به عنوان یک عامل کشش^۴ مهم برای کنشگران خلاق عمل می‌کند (کورتیت و نیجکمپ، ۲۰۱۸).^۵ مطالعات دیگر نیز نشان داده‌اند که صنایع خلاق، اقتصاد دانش بنیان و گردش مالی گردشگری به طور معنادار و مثبت با تراکم دارایی‌های فرهنگی بالاتر مرتبط هستند (TBR^۶، ۲۰۱۶). هرچند در برخی موارد، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های فرهنگی بزرگ بازده اقتصادی اندکی برای منطقه محلی به همراه داشته و فراتر از افزایش ناچیز تعداد بازدیدکنندگان نبوده است، اما زمانی که این سرمایه‌گذاری‌ها به عنوان بخشی از راهبردهای گسترده تر بازآفرینی مبتنی بر فرهنگ انجام شوند، امکانات فرهنگی می‌توانند ستون فقرات تحولات موفق مکانی را شکل دهند.

1 - <https://Aeaconsulting.com/>
 2 - Florida, 2002
 3 - Kim, Lee & Kim, 2024

4 - Pull factor
 5 - Kourtiti & Nijkamp, 2018
 6 - Trends Business Research Ltd.





کادر ۲-۲

هزینه ها و بازده سرمایه گذاری
در زیرساخت های فرهنگی فیزیکی

هزینه های سرمایه گذاری در زیرساخت های فیزیکی می تواند بسیار بالا باشد و همچنین ممکن است هزینه های عملیاتی مستمر را نیز به همراه داشته باشد. فراتر از هزینه اولیه ساخت، بسیاری از تأسیسات فرهنگی برای ادامه فعالیت خود به حمایت مالی مداوم نیاز دارند. برای نمونه، در بخش موزه ها معمولاً تنها حدود ۲۵٪ از هزینه های عملیاتی از محل فروش بلیت و فروشگاه ها تأمین می شود و ۷۵٪ باقیمانده متکی به تأمین مالی دولتی است (OECD, ۲۰۲۲). با این حال، همه سرمایه گذاری ها در زیرساخت های فرهنگی فیزیکی در مقیاس بزرگ انجام نمی شوند. سرمایه گذاری در زیرساخت های کوچک مقیاس، مانند سینماهای محلی یا کتابخانه ها، میتواند تأثیر قابل توجهی بر توسعه محلی داشته باشد (رجوع شود به بخش ۳).

شواهد مربوط به بازده سرمایه گذاری^۱ در پروژه های زیرساخت فرهنگی ترکیبی و متفاوت است و اغلب به روش ها و بازه زمانی مورد استفاده در تحلیل بستگی دارد. برای مثال، شواهدی از بریتانیا (اکوریس، ۲۰۱۴)^۲ نشان می دهد که ۳۶ میلیون پوند سرمایه گذاری در ۱۰ پروژه میراثی در سراسر این کشور، ارزش افزوده ناخالص محلی^۳ را به میزان ۶۰۴ میلیون پوند و GVA منطقه ای را به میزان ۳۳۹ میلیون پوند افزایش داده است. با این حال، بررسی سرمایه گذاری های مشابه در پنج جاذبه تاریخی بازدیدکننده محور، که تنها بر مرحله ساخت پروژه ها تمرکز داشتند، نشان داد که ۲۳ میلیون پوند سرمایه گذاری در این پنج سایت، در سطح محلی ۵۷ شغل - سال^۴ و ۲ میلیون پوند GVA و در سطح منطقه ای ۲۷۸ شغل - سال و ۱۱۰۲ میلیون پوند GVA ایجاد کرده است. تأمین مالی زیرساخت های فرهنگی بزرگ مقیاس عمدتاً از سوی بخش عمومی و سازمان های غیرانتفاعی انجام می شود، هرچند علاقه بخش خصوصی نیز در حال افزایش است. برآوردها نشان می دهد که بخش عمده سرمایه گذاری های بزرگ مقیاس در زیرساخت فرهنگی از سوی بخش عمومی (۴۴٪ در سال ۲۰۲۳) یا بخش غیرانتفاعی (۳۷٪ در سال ۲۰۲۳) تأمین می شود (AEA, ۲۰۲۳). با این حال، تعداد پروژه های تجاری طی دهه گذشته افزایش یافته و در سال ۲۰۲۳ حدود ۷٪ از کل پروژه ها را تشکیل داده است. سایر ابتکارات خصوصی و مشارکت های عمومی-خصوصی هم چنان سهم اندکی دارند (۳٪ از کل پروژه ها).

(AEA, ۲۰۲۳; ECORYS, ۲۰۱۴; OECD, ۲۰۲۲)



- 1 - Return on Investment – ROI
- 2 - Ecorys, 2014
- 3 - Gross Value Added – GVA
- 4 - job-years

لطفاً اسکن کنید

روایت کادر ۲-۲ را بشنوید.

وقتی فرهنگ، سرمایه گذاری را دوباره معنا می کند.

آیا هر ساختمان فرهنگی، واقعاً فرهنگ می سازد؟
چرا برخی پروژه های فرهنگی بعد از افتتاح، خالی می مانند؟
آیا فرهنگ فقط با پروژه های عظیم آغاز می شود؟

کد بالا در چند دقیقه به این سؤالات پاسخ می دهد.

PERELMAN PERFORMING ARTS CENTER



در نیویورک، ایالات متحده، ساخت مرکز هنرهای نمایشی پرلمن ۵ میلیارد دلار هزینه داشته است و ساخت یک بال جدید از موزه تاریخ طبیعی آمریکا ۴۶۵ میلیون دلار هزینه دربرداشته است. (AEA، ۲۰۲۳).



AMERICAN MUSEUM OF NATURAL HISTORY

پیوست سیاستی کادر ۲-۲



**بازآفرینی فرهنگی را با منطق سرمایه‌گذاری هوشمند،
نه پروژه‌های پرهزینه نمادین، پیش ببرید.**

۱- پیام سیاستی

بررسی شواهد بین‌المللی نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های فرهنگی فیزیکی ذاتاً پرهزینه و بلندمدت است و در بسیاری از موارد، بازده مالی مستقیم آن محدود باقی می‌ماند (OECD، ۲۰۲۲). تجربه پروژه‌های بزرگ فرهنگی در شهرهای جهانی بیانگر آن است که اتکا به فروش بلیت و درآمدهای عملیاتی تنها بخش کوچکی از هزینه‌های جاری را پوشش می‌دهد و حمایت مستمر بخش عمومی برای پایداری این فضاها اجتناب‌ناپذیر است (ایوانز^۱، ۲۰۰۵، OECD، ۲۰۲۳).

در عین حال، گزارش OECD تأکید می‌کند که بازده واقعی این سرمایه‌گذاری‌ها لزوماً در ترازنامه‌های مالی کوتاه‌مدت دیده نمی‌شود. اثرات اصلی در قالب افزایش ارزش افزوده محل (GVA)، اشتغال، پویایی اجتماعی، جذب فعالیت‌های خلاق و تقویت هویت مکانی بروز می‌یابد (OECD، ۲۰۲۲). این آثار تنها از طریق شاخص‌های گسترده‌تری مانند ارزش افزوده ناخالص، اشتغال غیرمستقیم و اثرات سرریز منطقه‌ای قابل سنجش هستند. از منظر سیاست‌گذاری، تمرکز صرف بر پروژه‌های بزرگ‌مقیاس و نمادین می‌تواند ریسک مالی بالایی ایجاد کند، بدون آنکه تضمینی برای اثرگذاری پایدار فراهم آورد (OECD، ۲۰۲۲). شواهد نشان می‌دهد سرمایه‌گذاری‌های کوچک‌مقیاس و محلی، مانند سینماهای محلی، کتابخانه‌ها و بازآفرینی بناهای صنعتی متروکه، در بسیاری از موارد نسبت هزینه به اثرگذاری بهتری دارند و پیوند عمیق‌تری با توسعه محلی برقرار می‌کنند (OECD، ۲۰۲۲).

بنابراین، سیاست فرهنگی کارآمد باید:

سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های فرهنگی را به‌عنوان بخشی از یک راهبرد توسعه‌ای ترکیبی (فرهنگ، اقتصاد، اجتماع) تعریف کند؛
از مدل‌های تأمین مالی متنوع شامل بخش عمومی، مشارکت‌های محلی و در موارد محدود، بخش خصوصی بهره بگیرد (OECD، ۲۰۲۳).
ارزیابی موفقیت پروژه‌ها را فراتر از معیارهای مالی کوتاه‌مدت و بر پایه اثرات اقتصادی-اجتماعی بلندمدت انجام دهد.
در نهایت، بازآفرینی فرهنگی زمانی بیشترین بازده را ایجاد می‌کند که هدف آن تولید معنا، مشارکت و ظرفیت محلی باشد، نه صرفاً ساخت یک بنای فرهنگی پرهزینه.



▲ ویژگی‌های کلیدی سرمایه‌گذاری فرهنگی فیزیکی در ایران

▲ محدودیت منابع مالی عمومی و ناپایداری تأمین بودجه

در ایران، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های فرهنگی فیزیکی عمدتاً متکی به بودجه‌های دولتی و شبه‌دولتی است. این منابع معمولاً ناپیوسته و وابسته به چرخه‌های بودجه‌ای‌اند و امکان تعهد بلندمدت برای پوشش هزینه‌های بهره‌برداری را به‌سختی فراهم می‌کنند (سازمان برنامه و بودجه، گزارش‌های بودجه سالانه). این وضعیت ریسک پروژه‌های بزرگ مقیاس فرهنگی را افزایش می‌دهد.

▲ شکاف میان هزینه ساخت و توان تأمین هزینه‌های بهره‌برداری

همانند الگوهای جهانی (OECD، ۲۰۲۲)، در ایران نیز تمرکز اصلی غالباً بر ساخت پروژه است، نه طراحی مدل بهره‌برداری پایدار. بسیاری از فضاها و فرهنگی پس از افتتاح با کمبود منابع برای نگهداری و برنامه‌ریزی مواجه می‌شوند.

▲ ضعف نظام ارزیابی بازده غیرمالی

در حالی که بازده واقعی پروژه‌های فرهنگی در حوزه‌هایی مانند اشتغال غیرمستقیم و کیفیت زندگی شهری بروز می‌کند، ابزارهای نظام‌مند سنجش این آثار در سطح ملی محدود است (OECD، ۲۰۲۲).

▲ مزیت نسبی پروژه‌های کوچک مقیاس

یافته‌های OECD نشان می‌دهد پروژه‌های کوچک مقیاس و بازآفرینی دارایی‌های موجود، در بسیاری موارد کارایی بیشتری نسبت به پروژه‌های نمادین دارند. این الگو با ظرفیت‌های شهری ایران هم‌راستا است.

▲ ضعف مشارکت ساختار یافته بخش خصوصی

در ایران، مشارکت عمومی-خصوصی (PPP) در حوزه فرهنگی چارچوب تثبیت‌شده و گسترده‌ای ندارد (مرکز پژوهش‌های مجلس، گزارش‌های مشارکت عمومی-خصوصی) و لذا بار اصلی ریسک مالی بر دوش دولت باقی می‌ماند.

▲ ضرورت گذار از پروژه‌محوری به راهبرد فرهنگی

بدون پیوند پروژه‌ها با راهبرد توسعه محلی، حتی پروژه‌های پرهزینه نیز به بازده پایدار منجر نمی‌شوند (OECD، ۲۰۲۳).



نمونه‌هایی از پروژه‌های فرهنگی ایرانی با بودجه سنگین

♦ الف) باغ کتاب تهران

پروژه‌ای بزرگ‌مقیاس فرهنگی با سرمایه‌گذاری قابل توجه شهرداری تهران (شرکت نوسازی عباس‌آباد، ۱۳۹۶).

♦ نکته سیاستی:

نیازمند مدل بهره‌برداری پایدار و برنامه رویدادی مستمر.



♦ ب) موزه هنرهای معاصر تهران

نمونه‌ای از ارتقای زیرساخت فرهنگی موجود از طریق مرمت و بازگشایی (موزه هنرهای معاصر تهران).

♦ نکته سیاستی:

سرمایه‌گذاری نگهداشت محور کم‌ریسک‌تر از ساخت پروژه جدید است.



♦ ج) پردیس تئاتر تهران (خاوران)

مجموعه نمایشی بزرگ شهری با تأکید بر بهره‌برداری مستمر (شهرداری تهران، گزارش‌های بهره‌برداری).

♦ نکته سیاستی:

نیازمند شبکه بهره‌برداری و هزینه جاری پایدار.



پیش‌بینی نتایج بازآفرینی فرهنگ‌محور بر اساس سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های فرهنگی فیزیکی

کوتاه‌مدت (۱-۳ سال)

فعال‌سازی فضایی، تحرک اولیه اقتصادی، بازده مالی محدود.

میان‌مدت (۳-۷ سال)

اثرگذاری ساختاری، اشتغال غیرمستقیم، ارتقای ارزش مکانی.

بلندمدت (۷-۱۵ سال)

تحول مکانی پایدار، افزایش سرمایه اجتماعی و نهادی.

ریسک‌های موجود

- ۱- تمرکز بر ساخت و غفلت از بهره‌برداری
- ۲- برآورد نادرست هزینه‌ها
- ۳- حکمرانی چندپاره
- ۴- گسست از جامعه محلی
- ۵- اتکای بیش‌ازحد به بازده مالی کوتاه‌مدت

جمع‌بندی سیاستی

سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های فرهنگی، زمانی به بازده پایدار منجر می‌شود که از منطق «ساخت صرف» فاصله بگیرد و به‌عنوان یک فرآیند بلندمدت با حکمرانی شفاف، مدل مالی پایدار و پیوند عمیق با جامعه محلی طراحی شود. تجربه ایران نشان می‌دهد که بدون توجه به چرخه عمر پروژه، بهره‌برداری و نگهداشت، حتی پرهزینه‌ترین پروژه‌ها نیز با خطر کم‌آوری یا فرسایش مواجه‌اند؛ در حالی که بازآفرینی هوشمند دارایی‌های موجود و فازبندی بهره‌برداری می‌تواند بازده اجتماعی و فرهنگی بالاتری ایجاد کند.

فهرست منابع

- Evans, G. (2005), Measure for measure: Evaluating the evidence of culture's contribution to regeneration, *Urban Studies*, 42(5-6), 959-983.
- OECD. (2022), *Culture and Local Development: Maximising the Impact*. Paris: OECD Publishing.
- OECD. (2023), *The Role of Culture-led Regeneration in Place Transformation*. Paris: OECD Publishing.

شرکت نوسازی اراضی عباس‌آباد، (۱۳۹۶). گزارش معرفی باغ کتاب تهران.
موزه هنرهای معاصر تهران، معرفی و تاریخچه.
مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، گزارش‌های مشارکت عمومی- خصوصی.

شاید جای تعجب نداشته باشد که شواهد فراوانی دال بر افزایش امکانات فرهنگی و در نتیجه افزایش مشارکت ساکنان در هنر و فرهنگ وجود دارد. برای مثال، پس از سرمایه‌گذاری مبتنی بر فرهنگ در نیوکاسل-گیتسهد^۱، بریتانیا، و بازآفرینی منطقه ساحلی آن با ایجاد تأسیسات جدید - شامل مرکز هنری سیج^۲ و تبدیل کارخانه آرد بالتیک^۳ به گالری هنر معاصر و پل هزاره^۴ - میزان مشارکت در فعالیت‌های هنری به طور چشم‌گیری افزایش یافت. پیمایش‌های انجام شده میان ساکنان محلی و منطقه‌ای نشان داد که میزان حضور در گالری‌ها، تئاترها و کنسرت‌ها پس از افتتاح تأسیسات جدید در سال ۲۰۰۲ به طور معناداری افزایش یافته است: ۲۷٪ شرکت در تئاتر/نمایش‌ها (در مقایسه با ۱۹٪ در سال ۲۰۰۱)، ۳۵٪ بازدید از گالری‌ها (در مقایسه با ۱۵٪ در سال ۲۰۰۱) و ۱۲٪ حضور در رویدادهای موسیقی (در مقایسه با ۵٪ در سال ۲۰۰۱). این افزایش یک سال بعد نیز ادامه یافت، به طوری که ۸۱٪ از ساکنان نیوکاسل-گیتسهد در سال ۲۰۰۲ در رویدادهای هنری و فرهنگی شرکت کردند (در مقایسه با ۷۹٪ در سال ۲۰۰۱) (بیلی و همکاران، ۲۰۰۴)^۵. همچنین، ۸۰٪ از پاسخ‌دهندگان منطقه‌ای اظهار داشتند که اگر منطقه محل زندگی‌شان فعالیت‌های هنری و فرهنگی خود را از دست بدهد، بخشی از ارزش و اهمیت خود را از دست خواهد داد؛ نسبتی بالاتر از میانگین کل کشور.

با توجه به ارتباط مستحکم میان مشارکت در فعالیت‌های فرهنگی و پیامدهای مثبت سلامت و رفاه^۶ (فانکورت، ۲۰۲۳)، مداخلاتی که به افزایش مشارکت فرهنگی منجر می‌شوند می‌توانند آثار قابل توجهی بر سلامت و رفاه محلی داشته باشند.

تأثیر زیرساخت‌های فرهنگی بزرگ مقیاس بر اقتصاد بازدیدکنندگان صرفاً به شهرهای بزرگ محدود نمی‌شود، اما ماهیت این تأثیر می‌تواند متفاوت باشد. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های فرهنگی خارج از پایتخت‌های فرهنگی سنتی در حال افزایش است. برای مثال، در سال ۲۰۲۳، ۷۳٪ از مکان‌های اجرای پروژه‌های زیرساختی فرهنگی بزرگ مقیاس خارج از متراکم‌ترین مراکز شهری اجرا شده‌اند (AEA، ۲۰۲۳). شهر لنس^۷ در شمال فرانسه میزبان یکی از شعب موزه لوور است که با هدف بازآفرینی شهری که دچار افول شدید صنعتی شده بود ساخته شد و در عین حال دسترسی به مجموعه‌های موزه لوور را فراتر از پاریس گسترش داد. این موزه اکنون دومین موزه پربازدید خارج از پاریس است و سالانه حدود ۵۷۰ هزار بازدیدکننده (میانگین روزانه ۱۸۰۰ نفر) را جذب می‌کند (لوور-لنس، ۲۰۲۴)^۸، آن هم در شهری با جمعیتی در حدود ۳۲ هزار نفر (اینسی، ۲۰۲۴)^۹. بیش از ۷۰٪ از بازدیدکنندگان از منطقه محلی هستند و بیش از یک چهارم (۲۸٪) از منطقه کلان شهری محلی می‌آیند. در مقابل، از میان ۱.۳ میلیون بازدیدکننده موزه گوگنهایم بیلباو در اسپانیا در سال ۲۰۲۳، حدود ۱.۱ میلیون نفر از خارج از منطقه باسک آمده‌اند (GMB، ۲۰۲۴)^{۱۰}. اگرچه این تفاوت عمدتاً بازتاب‌دهنده بازار گردشگری بین‌المللی بسیار توسعه یافته بیلباو است، اما این مقایسه همچنین نشان می‌دهد که الگوی مخاطبان و خاستگاه بازدیدکنندگان موزه‌ها می‌تواند متفاوت باشد، زیرا راهبردها، بازارها و تجربه‌های فرهنگی متفاوتی را هدف قرار می‌دهند. این موضوع به نوبه خود پیامدهایی برای نوع منافع حاصل دارد. برای مثال، بازده بالاتر گردشگری ممکن است در جاهایی مشهودتر باشد که اقامت شبانه رایج‌تر است و توده بحرانی از جاذبه‌های فرهنگی و سایر جاذبه‌ها برای ترغیب بازدیدکنندگان وجود دارد. در مقابل، زیرساخت فرهنگی که بیشتر مخاطب محلی را هدف قرار می‌دهد، می‌تواند منافع اجتماعی بیشتری برای جامعه محلی ایجاد کند.

ادغام تأسیسات فرهنگی بزرگ با سایر سرمایه‌گذاری‌ها، مانند مسکن، خوشه‌های صنایع خلاق و آموزش عالی، می‌تواند منافع متقابل ایجاد کند. بازآفرینی اسکله‌های سالفورد^{۱۱} در شمال غرب انگلستان با ایجاد مرکز هنری لوری^{۱۲} و افزودن سایر فضاهای فرهنگی مانند موزه جنگ امپریال^{۱۳} و محله مدیا سیتی^{۱۴}، و همراه با توسعه مسکن جدید، به جذب استودیوهای تلویزیونی و سایر سازمان‌های آموزشی و رسانه‌ای کمک کرده است. پروژه لوری نمونه‌ای از چگونگی تقویت اقتصاد محلی و افزودن ارزش به جوامع از طریق تحول مکانی همراه با نهادهای هنری و رسانه‌ای است. بر اساس یک ارزیابی ۲۵ ساله (لیچ فیلد، ۲۰۲۴)^{۱۵}، بازآفرینی اسکله‌ها حدود ۱.۳ میلیارد پوند به ارزش افزوده ناخالص اقتصاد کمک کرده است؛ رقمی که ۹۹٪ بیشتر از سال ۲۰۰۱ است و اکنون میزبان طیف وسیعی از سازمان‌های خلاق، فناوری و رسانه‌ای، از مراکز رشد و استارت‌آپ‌ها تا بنگاه‌های تثبیت شده است.

1 - NewcastleGateshead
2 - Sage Arts Centre
3 - Baltic Flour Mill
4 - Millennium Bridge
5 - Bailey, Miles & Stark, 2004

6 - Fancourt
7 - Lens
8 - Louvre-Lens, 2024
9 - INSEE, 2024
10 - Guggenheim Museum Bilbao

11 - Salford Quays
12 - Lowry Arts Centre
13 - Imperial War Museum
14 - MediaCity
15 - Lichfields, 2024

هم طراحی^۱ و مشارکت معنادار جامعه محلی برای موفقیت پروژه‌ها ضروری است. این امر مستلزم تعامل با گروه‌های مختلف اجتماعی از مراحل اولیه برنامه‌ریزی پروژه و ادامه همکاری با ذینفعان محلی در سراسر فرایند توسعه است. یکی از گام‌های کلیدی در این فرایند، نقشه‌برداری از زیرساخت فرهنگی موجود، شناسایی شکاف‌ها در ارائه خدمات فعلی و ارزیابی کاربردهای بالقوه آینده است. برای مثال، شورای شهر دوبلین^۲ در ایرلند در سال ۲۰۲۱ مطالعه‌ای درباره نقشه‌برداری زیرساخت فرهنگی انجام داد که مبتنی بر مصاحبه‌ها و پیمایش‌های گسترده با ذینفعان فرهنگی محلی و همچنین داده‌های ثانویه بود تا تصویری کلی از ترکیب و ویژگی‌های زیرساخت فرهنگی شهر ارائه دهد؛ عملکرد شهر را در مقایسه با شهرهای بین‌المللی مشابه بررسی کند؛ و تقاضاها و روندهای محتمل آینده فرهنگی را ارزیابی نماید (ترلی، ۲۰۲۱)^۳. این نقشه اکنون به صورت دیجیتال و برخط در دسترس است و برای هدایت تصمیم‌گیری‌ها استفاده می‌شود (کمپانی فرهنگی شورای شهر دابلین^۴، ۲۰۲۵).

مشارکت کاربران در طراحی فیزیکی تأسیسات فرهنگی جدید می‌تواند کیفیت تجربه را بهبود بخشد و بازتاب بهتری از بستر و محیط محلی ارائه دهد. اجرای هم‌طراحی می‌تواند از خطاهای پرهزینه در طراحی و بهره‌برداری جلوگیری کرده و به تقویت حس مالکیت و استفاده از پروژه کمک کند. ابزار «شاخص کیفیت طراحی»^۵ که مجموعه‌ای برای سنجش، ارزیابی و بهبود کیفیت طراحی ساختمان‌هاست، در پروژه‌های ساختمانی عمومی، از جمله گالری تیت مدرن^۶ واقع در منطقه‌ای محروم در کرانه جنوبی رود تیمز در بریتانیا، به کار گرفته شد. ابزار پیمایش می‌تواند در مراحل مختلف طراحی توسط کاربران، مدیران پروژه و مدیران تأسیسات - یعنی تمامی کاربران بالقوه فضا - مورد استفاده قرار گیرد. کیفیت از طریق کارگاه‌های ارزیابی مکانی و طراحی و با طرح پرسش‌هایی درباره کارکرد، کیفیت ساخت و اثرگذاری ارزیابی می‌شود. این موضوع اهمیت دارد، زیرا بدون توجه به هریک از این عناصر، ممکن است فضایی از نظر فنی بسیار کارآمد و از نظر ساخت با کیفیت باشد، اما برای کاربر، بی‌روح، فاقد هویت و فاقد انسجام به نظر برسد؛ نتیجه‌ای که در بسیاری از ساختمان‌های فرهنگی و فضاهای عمومی معاصر مشاهده می‌شود (ایوانز، ۲۰۲۴)^۷. مطالعات ارزیابی پس از بهره‌برداری^۸، برای مثال در کتابخانه‌ها (لوشینگتون، ۲۰۰۲)^۹، می‌توانند فرهنگ بازخورد را تقویت کرده و به رفع مسائل جاری برای بهبود تجربه بازدیدکنندگان و کاهش موانع استفاده کمک کنند.



- 1 - Co-design
- 2 - Dublin City Council
- 3 - Turley, 2021
- 4 - Dublin City Council Culture Company, 2025.
- 5 - Design Quality Indicator- DQI

- 6 - Tate Modern Gallery
- 7 - Evans, 2024
- 8 - Post-Occupancy Evaluation – POE
- 9 - Lushington, 2002

مراکز فرهنگی از جمله گسترده‌ترین و در دسترس‌ترین فضاهای فرهنگی محسوب می‌شوند. این مراکز می‌توانند فضاهای فرهنگی قابل دسترس و فرصت‌های توسعه‌ای برای جوامع محلی فراهم کنند. این فضاها امکان دسترسی به هنر و خدمات فرهنگی را فراهم می‌کنند؛ محصولات متنوع فرهنگی و هنری را تولید و منتشر می‌کنند (مانند نمایشگاه‌ها، اجراها، کنسرت‌ها و غیره)؛ فرصت‌های متنوع مشارکت فرهنگی برای جوامع ایجاد می‌کنند (از جمله فعالیت‌های هنری آماتور)؛ از میراث فرهنگی، سنت‌های محلی و فرهنگ‌های قومی حفاظت می‌کنند؛ اطلاعات مرتبط با فرهنگ را گردآوری و توزیع می‌کنند و به طیفی از اهداف آموزشی، تفریحی و اجتماعی دیگر کمک می‌کنند (پیفیر، ۲۰۲۲).^۱

کتابخانه‌ها به ویژه می‌توانند نقش مهمی در توسعه از طریق آموزش، حمایت اشتغال و مشارکت فرهنگی ایفا کنند. برخلاف سایر تأسیسات فرهنگی، کتابخانه‌ها معمولاً دامنه سنی نسبتاً گسترده‌ای از کاربران را پوشش می‌دهند و سهم بالاتری از گروه‌های با وضعیت اجتماعی-اقتصادی پایین‌تر در استفاده از آنها دیده می‌شود (ایوانز،^۲ ۲۰۰۸). ترکیب خدمات مختلف در یک فضای مورد پذیرش محلی، در زمینه‌های گوناگون اثربخش بوده است (تامسون،^۳ ۲۰۱۷) و نشان داده که از بهبود سلامت ساکنان محلی و ارتقای اشتغال محلی حمایت می‌کند (گوردون،^۴ ۲۰۲۳). گسترش خدمات سنتی کتابخانه‌ها برای دربرگرفتن آموزش و مهارت‌آموزی، حمایت شغلی، خدمات اطلاع‌رسانی، گالری‌های هنری، و صنایع دستی می‌تواند یادگیری مادام‌العمر ساکنان جامعه را تقویت کند و این فضاها را به مکان‌هایی برای تبادل، یادگیری، آرامش و سرگرمی تبدیل کند (سکی،^۵ ۱۹۹۹). برای مثال، بازآفرینی کتابخانه‌ها به عنوان «هابهای جامعه محور چندخدمتی»^۶ در محله‌های کم‌برخوردار در بسیاری از نقاط جهان ترویج شده است. در واقع، پژوهش‌ها نشان داده‌اند که کتابخانه‌ها به تقویت شمول اجتماعی و برابری، ارتقای مشارکت مدنی، ایجاد پیوند میان منابع و مشارکت اجتماعی و همچنین افزایش پویایی اقتصادی در سطح محلی کمک می‌کنند (اسکات، ۲۰۱۱، کلینن برگ، ۲۰۱۸).^۷

1 - Pfeifere, 2022

2 - Evans, 2008

3 - Thomson, 2017

4 - Gordon, 2023

5 - Seki, 1999

6 - grassroots multi-service community hubs

7 - Scott, 2011; Klinenberg, 2018



کادر ۳-۱

فضاهای اشتراکی تطبیقی (ACS)

به عنوان مکان های بازآفرینی فرهنگ محور

فضاهای اشتراکی تطبیقی (ACS) فضاهای عمومی یا نیمه عمومی هستند که توسط جوامع محلی مدیریت و شکل داده می شوند تا به نیازهای در حال تغییر پاسخ دهند. این فضاها در شهرهای مختلف کشورهای عضو OECD دیده می شوند و می توانند اشکال متنوعی داشته باشند؛ از باغ های اجتماعی^۱ گرفته تا فضاهای سازنده^۲ و مراکز خلاق^۳.

آنچه ACS را متمایز می کند، ساختارهای حکمرانی از پایین به بالا^۴ آن هاست که توسط گروه های خودسازمان یافته محلی بنیان گذاری و اداره می شوند. این فضاها اغلب به عنوان «فضاهای سوم»^۵ عمل می کنند؛ یعنی نه محل کار هستند و نه خانه، بلکه فضایی متفاوت از فضاهای عمومی متعارف محسوب می شوند و می توانند بستر تبادلات فرهنگی معنادار باشند. در نتیجه، نشان داده شده است که این فضاها انسجام اجتماعی را تقویت می کنند، نوآوری را تحریک می کنند و همکاری میان فعالیتهای غیررسمی شهروندان و نهادهای رسمی (مانند دولت های محلی و دانشگاه ها) را ارتقا می دهند.

یافته ها نشان می دهد که فضاهای اشتراکی تطبیقی (ACS) معمولاً حداقل یکی از اهداف زیر را دنبال می کنند:

♦ فرصت های مرتبط با املاک و مستغلات^۶: برخی از ACS ها به عنوان راهی برای استفاده مجدد از فضاهای کم استفاده یا بلااستفاده شکل می گیرند، اغلب از طریق اجاره های موقت به استارت آپ ها، ابتکارات فرهنگی یا سازمان های اجتماعی. این رویکرد، ضمن پیشینه سازی استفاده از املاک خالی، به تحریک فعالیت اقتصادی و پویایی شهری کمک می کند.

♦ ابتکارات اجتماعی و فرهنگی^۷: ACS ها می توانند به عنوان ابزارهایی برای تحقق اهداف گسترده تر سیاست های اجتماعی و فرهنگی عمل کنند و اغلب توسط دولت ها آغاز یا حمایت می شوند. این فضاها ممکن است شامل پناهگاه های اضطراری، مراکز توزیع غذا، هاب های فرهنگی یا مراکز اجتماعی باشند که با هدف تقویت شمول اجتماعی، خلاقیت و تاب آوری ایجاد شده اند.

♦ تحول شهری و ابتکارات ریشه محور^۸: بسیاری از ACS ها به صورت ارگانیک و در پاسخ به نیازهای محلی شکل می گیرند و اغلب توسط گروه های اجتماعی یا جنبش های ریشه محور^۹ هدایت می شوند. انعطاف پذیری این فضاها امکان آزمون گری، مداخلات خودجوش شهری و در نتیجه شکل گیری تدریجی هویت محلات را فراهم می کند.

OECD (در دست انتشار)

۱۹

1 - Community Gardens

2 - Makerspaces

3 - Creative Hubs

4 - Bottom-up Governance

5 - Third Spaces

6 - Real Estate Opportunities

7 - Social and Cultural Initiatives

8 - Urban Transformation and Grassroots Initiatives

9 - Grassroots Movements

لطفأً اسکن کنید



روایت کادر ۳-۱ را بشنوید.

وقتی فضاها موقت اند، اما اثرشان ماندگار است.

شبکه‌هایی مانند باشگاه‌های عضویتی^۱ نیز بخش مهمی از زیرساخت‌های ریشه‌محور به شمار می‌روند، زیرا بستری برای گردهمایی، اشتراک‌گذاری و سازماندهی جوامع محلی فراهم می‌کنند. نمونه‌های رایج شامل باشگاه‌های کتاب‌خوانی، انجمن‌های شعر، تئاتر و نمایش آماتور و گروه‌های تاریخ محلی هستند که در سطح محله سازماندهی می‌شوند. این گروه‌ها تا حدی به فضاهای فیزیکی وابسته‌اند، اما الزاماً به زیرساخت‌های بزرگ نیاز ندارند.

گروه‌های اجتماعی همچنین می‌توانند نقش بنیادینی در استفاده مجدد فرهنگی از فضاهای متروکه ایفا کنند. در بسیاری از موارد، جوامع محلی به‌صورت خودسازمان یافته برای نجات بناهای تاریخی یا ایجاد فضاهای فرهنگی و اجتماعی در مکان‌های بلااستفاده اقدام کرده‌اند. برای مثال، در محله هانوک^۲ در شهر جئونجو^۳، کره جنوبی، کاهش جمعیت محلی و فرسودگی بافت شهری منجر به همکاری ساکنان برای تدوین یک برنامه ۱۰ ساله ناحیه‌ای شد که بازسازی بیش از ۷۰۰ خانه سنتی هانوک، بهبود طراحی شهری و سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های گردشگری فرهنگی را در برمی‌گرفت (هوآنگ^۴، ۲۰۱۴). در منطقه بالکان (به‌طور مشخص در آلبانی، بوسنی و هرزگوین، کوزوو و مقدونیه شمالی)، یک سازمان غیرانتفاعی مستقر در بلژیک از گروه‌های محلی حمایت کرده است تا ساختمان‌های مناسب برای بازکاربری فرهنگی را شناسایی کنند و آن‌ها را در مذاکره با مقامات محلی درباره وضعیت حقوقی این ساختمان‌ها پشتیبانی کنند (جیکیتساس^۵، ۲۰۲۴). در بریتانیا، دولت از پروژه‌های جامعه‌محور برای بازآفرینی خیابان‌های اصلی از طریق فرهنگ و میراث حمایت می‌کند؛ به طوریکه ۸۸٪ از بودجه ۱۰۳ میلیون پوندی این برنامه به مقامات محلی و گروه‌های اجتماعی اختصاص یافته است تا ابتکارات محلی را اجرا کنند (هیستوریک انگلند و آمیون^۶، ۲۰۲۵). نهادهای لنگر^۷ یعنی مؤسسات فرهنگی بزرگ مانند تئاترهای ملی یا موزه‌های بزرگ نیز می‌توانند از این‌گونه اقدامات ریشه‌محور حمایت کنند. برای مثال، در بارسلونا، اسپانیا، موزه تاریخ با همکاری ساکنان مجموعه مسکونی بن پاستور^۸ برای نجات مجموعه‌ای از خانه‌های کارگری و تبدیل آن‌ها به یک موزه زنده برای عموم فعالیت کرده است.

هنر خیابانی^۹ شکل دیگری از زیرساخت فرهنگی جامعه‌محور است که به‌طور فزاینده‌ای به عنوان ابزاری برای ایجاد سرزندگی شهری و درگیر کردن جوامع محلی مورد استفاده قرار می‌گیرد. هنر خیابانی زمانی که با همکاری فعال میان بخش عمومی و خصوصی همراه باشد، اثرات مثبتی در فرآیند بازآفرینی نشان داده است (سرکلوکس^{۱۰}، ۲۰۲۱). برای مثال، در بوگوتا، کلمبیا، شهردار شهر با صدور یک دستورالعمل، هنر خیابانی را به عنوان شکلی از بیان هنری و فرهنگی ترویج کرد و هم‌زمان سطوح ممنوعه مانند بناهای یادبود و ساختمان‌های عمومی را مشخص نمود. کمک هزینه‌های شهری به هنرمندان منتخب اختصاص یافت و دیوارهای چندطبقه در امتداد خیابان‌های اصلی به عنوان بوم نقاشی مورد استفاده قرار گرفت. به‌طور مشابه، لیسبون پرتغال با ایجاد «گالری هنر شهری»^{۱۱} (GAU) از دیوارهای قانونی گرافیتی در سطح شهر حمایت کرده است. موفقیت این ابتکار باعث کاهش گرافیتی غیرقانونی و شکوفایی آثار هنری عمومی شده و لیسبون را به شهری شناخته شده برای نقاشی‌های دیواری تبدیل کرده است؛ امری که به توسعه شبکه‌های هنرمندان محلی نیز کمک کرده است.



در بخارست رومانی، بازآفرینی شهری از طریق هنر خیابانی در فضاهای جدید و بازطراحی شده در حال توسعه است و این فضاها از فعالیت‌های حوزه مهمان‌نوازی و بخش‌های فرهنگی و خلاق حمایت می‌کنند و به بهبود توسعه اقتصادی و فرهنگی و جذابیت مرکز شهر بخارست انجامیده‌اند. این پدیده محدود به شهرهای بزرگ نیست؛ در شهر کوویلها^{۱۲} پرتغال، جشنواره دو هفته‌ای هنر شهری "وول"^{۱۳}، هنرمندان بین‌المللی و محلی را گرد هم می‌آورد تا نقاشی‌های دیواری در سراسر شهر خلق کنند؛ آثاری که به ریشه‌های دام‌داری و صنعت نساجی پشمی منطقه اشاره دارند.

1 - Membership Clubs
2 - Hanok Village
3 - Jeonju
4 - Hwang, 2014
5 - Gkitsas, 2024

6 - Historic England, AMION, 2025
7 - Anchor Institutions
8 - Bon Pastor
9 - Street Art

10 - Cercleux, 2021
11 - Galeria de Arte Urbana, GAU
12- Covilhã
13- WOOL



کادر ۳-۲

استفاده از فضاهای موقت برای صنایع خلاق

استفاده موقت^۱ از ساختمان‌ها و فضاها می‌تواند یک سیاست موفق برای فراهم کردن فضای کاری مقرون به صرفه برای هنرمندان و به ویژه استارت‌آپ‌های صنایع فرهنگی باشد. چنین کاربری‌های سازنده‌ای به پویاسازی مناطق و ساختمان‌های بلااستفاده کمک می‌کند، ایمنی و نظارت را افزایش می‌دهد و ظرفیت بازآفرینی منطقه را به نمایش می‌گذارد. اشغال موقت می‌تواند با تثبیت جامعه فرهنگی به توسعه دائمی‌تر منجر شود.



نمونه‌های موفق این نوع استفاده در پاریس فرانسه و برلین آلمان دیده می‌شود. در حومه اوبرویلرز^۲ پاریس، ۲۵۰ هنرمند استودیوهای خود را در قالب برنامه‌ای به نام "پوش"^۳ به روی عموم گشودند. این برنامه که از سال ۲۰۲۰ آغاز شده، به هنرمندان نوظهور فضای استودیویی یارانه‌ای ارائه می‌دهد. در مقابل، پوش هزینه‌های خدماتی و مالیات‌ها را پوشش می‌دهد و فضاها را با اجاره بسیار پایین (۱۰ تا ۱۳ یورو به ازای هر متر مربع در ماه) در اختیار هنرمندان قرار می‌دهد. در برلین نیز، با همکاری سنای شهروندانی بی‌کی برلین^۴، برنامه‌ای برای تخصیص استودیوها و واحدهای مسکونی کنترل شده از نظر اجاره اجرا شده است. تخصیص فضاها از طریق هیئتی بر اساس معیارهای حرفه‌ای بودن و نیاز انجام می‌گیرد.

PUSH, 2024

پوش، ۲۰۲۴

۳
۲

- 1- Meanwhile Use
- 2- Aubervilliers
- 3- POUISH
- 4- bbk Berlin



لطفأً اسکن کنید

روایت کادر ۳-۲ را بشنوید.
فضاهایی که شهر را زنده نگه می‌دارند.



زیرساخت‌ها و فضاهای فرهنگی جامعه محور و مقیاس کوچک نشان داده‌اند که می‌توانند اثرات اقتصادی معناداری بر جوامع محلی داشته باشند. فضاهای فرهنگی جامعه محور می‌توانند زیربنای شکل‌گیری یک زیست‌بوم فرهنگی و خلاق بویا باشند که در ادامه به ایجاد بازده‌های اقتصادی نیز منجر می‌شود. برای مثال، مطالعه‌ای درباره فضاهای موسیقی جامعه محور در ریو دو ژانیرو، برزیل، نشان داد که این فضاها نقش مهمی در زیست‌بوم موسیقی شهر ایفا می‌کنند و آثار بیرونی مثبت برای شهر ایجاد می‌کنند؛ آثاری که هم ارزش فرهنگی و هم ارزش اقتصادی دارند. نکته مهم آن است که حتی افرادی که در این فضاهای موسیقی شرکت نمی‌کردند نیز این آثار بیرونی مثبت و اهمیت بقای این فضاها برای شهر را به رسمیت می‌شناختند.

شواهد قوی دیگری نیز وجود دارد که نشان می‌دهد مشارکت فعال در گروه‌های فرهنگی جامعه محور، در مقایسه با مصرف منفعل فرهنگ، منافع پایدارتر و پیامدهای بهتری برای رفاه و سلامت ایجاد می‌کند. مرور گسترده‌ای که سازمان جهانی بهداشت (WHO)^۱ درباره آثار مشارکت فرهنگی انجام داده، شواهد قابل توجهی از اثرات مثبت بر سلامت و بهزیستی ارائه می‌دهد. این آثار شامل پیش‌گیری از بیماری، ترویج رفتارهای سالم و کمک به مدیریت و درمان بیماری‌های جسمی و روانی است. همچنین گزارش مشترک کمیسیون اروپا نشان می‌دهد که مؤثرترین مداخلات سلامت و رفاه، آن‌هایی هستند که بر مشارکت فعال فرهنگی تکیه دارند، نه اشکال منفعل‌تر مصرف فرهنگی. پروژه‌های هنری مشارکتی که به‌طور محلی در مکان استقرار یافته‌اند، بیشترین اثرگذاری را در بهبود پیامدهای اجتماعی در سطح جامعه دارند.

گروه‌های جامعه محور می‌توانند محرک فرایندهای تحول مکانی باشند، اما اغلب به منابع فنی، قدرت تصمیم‌گیری و نفوذ نهادی دسترسی کافی ندارند و به همین دلیل به حمایت نیاز دارند. اگرچه دانش محلی و تعهد به مکان می‌تواند تا حدی این ضعف‌ها را جبران کند، اما طی سال‌ها این چالش‌ها از طریق ابزارها و سازوکارهای حمایتی مختلف کاهش یافته است. از جمله این ابزارها می‌توان به معماری مشارکتی، حمایت‌های فنی و برنامه‌ریزی، و همکاری‌های حرفه‌ای-محلی مانند کارگاه‌های طراحی مشارکتی^۲ اشاره کرد که در کشورهای مختلف اروپایی، آمریکا و استرالیا مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

در استرالیا، ابتکارات منابع فرهنگی یا را فراتر گذاشته و امکان ثبت روایت‌های فرهنگی محلی توسط خود جوامع را فراهم کرده‌اند. برای نمونه، اطلس فرهنگی مبتنی بر سیستم اطلاعات جغرافیایی^۳ (GIS) در غرب سیدنی، بستری دیجیتال ایجاد کرده است که کاربران می‌توانند به تصاویر، ویدئو، صدا، روایت‌ها و اسناد دسترسی داشته باشند و مسیرها و توره‌های فرهنگی طراحی کنند. نمونه مشابهی در ایالت کوئینزلند نیز وجود دارد که نقشه‌ها و پیوندهایی درباره مکان‌ها، افراد، رویدادها و تاریخ محلی ارائه می‌دهد. این نمونه‌ها نشان می‌دهند که چگونه جوامع می‌توانند روایت‌های محلی درباره هویت مکانی خود را به‌طور مشترک تولید کنند و تصویر بیرونی از مکان را با معانی و تعلقات ساکنان همسو سازند.

1- World Health Organization

2- Design Charrettes

3- Geographic Information System- GIS



نقشه‌برداری فرهنگی^۱ می‌تواند به سیاست‌گذاران کمک کند تا نقاط قوت و چالش‌های موجود جوامع محلی را بهتر درک کنند. این رویکرد، که افراد محلی را برای شناسایی مکان‌ها و دارایی‌های فرهنگی گرد هم می‌آورد، ابزاری انعطاف‌پذیر و در دسترس برای بیان دیدگاه‌ها، تجربیات و آرزوهای جامعه است و می‌تواند مبنای تصمیم‌گیری آگاهانه در سیاست‌های بازآفرینی شهری قرار گیرد. چنین نقشه‌هایی کمک می‌کنند مکان‌هایی که دارای ارزش فرهنگی یا نمادین هستند شناسایی و حفاظت شوند و از احساس طرد یا فقدان که ممکن است در اثر تخریب این مکان‌ها در جوامع ایجاد شود، جلوگیری شود (مانزو، ۲۰۲۳، شاو، ۲۰۱۵).^۲

نقشه‌برداری فرهنگی می‌تواند به تعریف فرهنگ محلی، شناسایی خلأهای موجود در ارائه خدمات و تقویت استدلال برای سرمایه‌گذاری در توسعه فرهنگی جامعه کمک کند^۳ (شبکه شهری خلاق کانادا و ۲۰۱۰ میراث، ۲۰۰۷). از این رو، نقشه‌برداری فرهنگی در تلاش‌های بازآفرینی فرهنگ محور در مقیاس‌های فضایی مختلف، از سایت‌ها و ساختمان‌های منفرد و محله‌ها گرفته تا نقشه‌برداری دارایی‌های فرهنگی در سطح محلی و زیرمنطقه‌ای، کاربرد مؤثر داشته است (ایوانز^۴، ۲۰۱۵).

بودجه ریزی مشارکتی^۵ به عنوان پاسخی سیاستی که به طور فزاینده‌ای محبوب شده است، برای تأمین مالی زیرساخت‌های فرهنگی جامعه محور به کار می‌رود. بودجه ریزی مشارکتی به مردم محلی اجازه می‌دهد درباره نحوه تخصیص بخشی از بودجه عمومی تصمیم‌گیری کنند. این سنت از برزیل آغاز شد و از اواخر دهه ۱۹۸۰ با موفقیت مورد استفاده قرار گرفته است و سپس گسترش یافته است؛ به طوریکه بیش از ۳۰۰ شهرداری از جمله در کانادا، شیلی، فرانسه، اسپانیا، بریتانیا و ایالات متحده آن را به کار گرفته‌اند. برای مثال، نیویورک بخشی از بودجه مشارکتی را به هر عضو شورای محلی اختصاص می‌دهد تا برای ابتکارات و طرح‌های محلی، مانند بهبود کتابخانه‌ها و برنامه‌های هنری، هزینه شود. در سال ۲۰۲۲، مجموعاً ۵ میلیون دلار آمریکا به ۴۶ پروژه برای پاسخ به نیازهای جامعه که توسط ساکنان شناسایی شده بود، اختصاص یافت. پیشنهادها فرآیندی شامل تولید ایده، ارزیابی پروژه و رأی‌گیری در سطح شهر را طی می‌کنند (ساکنان ۱۱ سال به بالا می‌توانند رأی دهند). ترویج این طرح و انتخاب شهروندان از طریق کتابخانه‌های محلی انجام می‌شود.

در بسیاری از کشورها، گنجاندن زیرساخت‌های فرهنگی در مقیاس کوچک و حتی برخی تأسیسات فرهنگی در مقیاس متوسط تا بزرگ، بخشی الزامی از پروژه‌های توسعه‌ای گسترده‌تر است. سازوکارها و سیاست‌های برنامه‌ریزی به اولویت‌دهی و تأمین مالی تأسیسات فرهنگی و اجتماعی مرتبط در چارچوب طرح‌های بازآفرینی غیرفرهنگی کمک کرده‌اند. سازوکارهای کلیدی شامل «منافع برنامه ریزی» یا «منفعت اجتماعی»^۶ است که براساس آن توسعه‌دهندگان، در قالب شرایط برنامه ریزی، به تأمین مالی تأسیسات در داخل یا خارج از سایت توسعه کمک می‌کنند؛ افزون بر سرمایه‌گذاری‌های زیرساختی مانند حمل و نقل یا خدمات سلامت. این موارد در کنار سیاست‌های خاص «درصدی برای هنر»^۷ قرار می‌گیرند که در آن ۱ تا ۳ درصد از هزینه‌های سرمایه‌ای برای تأمین مالی آثار هنری عمومی اختصاص می‌یابد؛ مانند فنلاند، فرانسه، آلمان، ایرلند و ایالات متحده. در بریتانیا، «عوارض زیرساخت جامعه»^۸ (CIL) برای توسعه‌های جدید (بالتر از یک اندازه مشخص) بر اساس نرخ‌هایی متناسب با مساحت تعیین می‌شود و می‌تواند برای تأمین مالی تأسیسات اجتماعی مورد استفاده قرار گیرد. افزون بر مشارکت‌های سرمایه‌ای در تأسیسات فرهنگی، می‌توان تعهداتی را در قالب شرایط اجاره، بهره‌برداری و دسترسی عمومی جامعه نیز تضمین کرد. «پهنه بندی»^۹ ابزار دیگری برای حفاظت یا حصاربندی زمین‌ها و فضاها برای استفاده فرهنگی عمومی است که می‌تواند از طریق تعهدات یا حقوق قانونی برای حفاظت از تغییرات کاربری آینده، مانند حفاظت از سینماها یا تئاترها، نهادینه شود.

1- Cultural Mapping
2- Manzo, 2023, Shaw, 2015
3- 2010 Legacies Now and Creative City Network of Canada, 2007
4- Evans, 2015
5- Participatory Budgeting

6- Planning Gain / Community Benefit
7- Percent for Art
8- Community Infrastructure Levy – CIL
9- Zoning



بهره‌گیری از نواحی فرهنگی برای تحول مکان می‌تواند به معنای تقویت نواحی فرهنگی موجود یا ایجاد نواحی جدید باشد. به طور کلی دو نوع ناحیه فرهنگی قابل شناسایی است: نخست، نواحی ارگانیک و تدریجی با کاربری مختلط که از مناطق تاریخی تولید فرهنگی شکل گرفته‌اند؛ و دوم، نواحی جدیدی که با احداث زیرساخت‌های تازه توسعه یافته‌اند. شبکه جهانی نواحی فرهنگی^۱ (GCDN) میان «نواحی پایین به بالا» که توسط کنشگران محلی و جامعه محور هدایت می‌شوند، و «نواحی بالابه پایین» که شکل‌گیری آنها ناشی از سیاست‌های دولتی است، تمایز قائل می‌شود (GCDN، ۲۰۱۸). بنابراین، رویکردهای سیاستی در این دو حالت متفاوت است؛ به گونه‌ای که برای حفاظت از نواحی فرهنگی موجود، ابزارهایی مانند ضوابط کاربری زمین، حفاظت از بناها و بازاستفاده از میراث فرهنگی به کار می‌رود، در حالی که نواحی جدید معمولاً به سرمایه‌گذاری اولیه محدود، پارانه‌های اجاره و اشتغال و مشوق‌های مالیاتی برای جذب بنگاه‌ها و نیروی کار و نیز سرمایه‌گذاری بخش خصوصی نیاز دارند. در تمامی انواع نواحی فرهنگی، سیاست‌گذاری و تلاش عملی برای پشتیبانی از شبکه‌های ناحیه‌ای و نظام حکمرانی آنها، و هم‌چنین توسعه کسب و کار، مهارت آموزی و آموزش ضروری است.

نواحی فرهنگی و خلاق می‌توانند در مقیاسی بسیار کوچک (چند خیابان) یا حتی در مقیاس یک شهر کامل فعالیت کنند. نمونه‌هایی از این مقیاس‌ها شامل تمرکز فعالیت‌های پس تولید فیلم در ناحیه‌ای کوچک مانند سوهو در لندن، یا خوشه‌های جغرافیایی مجزا اما به هم پیوسته در نظام مد نیویورک است که تولید پوشاک، پژوهش و طراحی مد، خرده‌فروشی و موزه‌ها را در قالب یک اکوسیستم صنعتی به هم پیوند می‌دهد. موفق‌ترین نواحی فرهنگی عمدتاً متشکل از شبکه‌ای از بنگاه‌های کوچک و متوسط (SMES) هستند که نوآوری، رشد، ارتقای تصویر مکانی و کنشگری برای منطقه را پشتیبانی می‌کنند. این نواحی می‌توانند بخشی محور باشند (مثلاً متمرکز بر موزه‌ها، روزنامه‌نگاری، هنرهای تجسمی، جواهرسازی یا طراحی) یا خوشه‌هایی عمومی‌تر از فعالیت‌های فرهنگی و خلاق را دربرگیرند.

نواحی جدید اغلب به شدت با ترویج فن‌آوری‌ها و نوآوری‌های نوین پیوند دارند، به ویژه در بخش‌هایی مانند فیلم و بازی‌های ویدیویی. شهرها سرمایه‌گذاری قابل توجهی در نواحی رسانه دیجیتال و زیرساخت‌های کلان مرتبط انجام داده‌اند؛ برای مثال "سایت مولتی مدیا" در مونترال کانادا، "بارسلونا ات ۲۲" در اسپانیا و "دیجیتال مدیا سیتی" در استوکره جنوبی. ماهیت این توسعه‌ها سرمایه‌بر و وابسته به بازار املاک است و برای استقرار و رشد بنگاه‌ها نیازمند مشوق‌های سرمایه‌گذاری می‌باشند. با این حال، این نوع توسعه‌های رسانه‌ای جدید همیشه به خوبی در اکوسیستم فرهنگی و خلاق محلی یا در نواحی موجود تولید فرهنگی ادغام و نهادینه نمی‌شوند. یک نمونه، توسعه منطقه اورستاد در کپنهاگ، دانمارک است، جایی که «بازیگری» فعالیت‌های فرهنگی که بیشتر با مناطق قدیمی‌تر مرتبط بودند، توسط توسعه‌دهندگان دنبال شد (ایوانز، ۲۰۰۹). برای جذب هنرمندان و سایر فعالان خلاق و تشویق آنها به استقرار و فعالیت در این منطقه، مداخله سیاستی لازم بود؛ به گونه‌ای که امکان استفاده رایگان از فضاهای منتخب برای آنها فراهم شد و در مقابل، این افراد با اجراهای عمومی و کارگاه‌ها به پویایی و جان بخشی منطقه کمک کردند.

1- Global Cultural Districts Network – GCDN
2- Advocacy
3- Cite Multimedia
4- Barcelona@22

5- Digital Media City
6- Ørestad
7- retro-fitting
8- Evans, 2009



کادر ۱-۴

منطقه هنر و طراحی عربیانرانتا^۱ در هلسینکی، فنلاند، یک خوشه با شکل‌گیری ارگانیک، با حمایت دولت محلی

منطقه عربیانرانتا که در سال ۱۹۴۰ میزبان بزرگ‌ترین کارخانه سرامیک جهان بود، پیشینه‌ای طولانی در هنر و طراحی دارد. پس از موفقیت کارخانه، دانشگاه هنر و طراحی در دهه ۱۹۸۰ به این منطقه منتقل شد که باعث افزایش تعداد هنرمندان و طراحان جوان و شکل‌گیری شهری فرهنگی برای این ناحیه شد. در دهه ۱۹۹۰ و اوایل دهه ۲۰۰۰، توسعه مسکن مسکونی همراه با سرمایه‌گذاری در گالری‌ها ادامه یافت تا از هنرمندان محلی حمایت شود. اخیراً پردیس خلاق^۲ دانشگاه علوم کاربردی متروپولیا^۳ در این منطقه ساخته شده که میزبان ۱۴ برنامه تحصیلی فرهنگی و خلاق است. در کنار آن، یک مرکز موسیقی جدید برای متروپولیا و کنسرواتوار پاپ و جاز^۴ ایجاد شده است.

دولت محلی نقش کلیدی در موفقیت این خوشه ایفا کرده است. توسعه این منطقه به یک قطب خلاق پویا، نتیجه تصادف نبود، بلکه با حمایت فعال دولت محلی انجام شد و یکی از نخستین مشارکت‌های بزرگ دولتی-خصوصی در بازتوسعه شهری فنلاند به شمار می‌رود. این توسعه در پاسخ به رکود اقتصادی اواخر دهه ۱۹۸۰ و اوایل دهه ۱۹۹۰ فنلاند شکل گرفت و ائتلافی میان شهر هلسینکی، دولت فنلاند، دانشگاه متروپولیا و توسعه‌دهندگان ملکی برای بازتوسعه منطقه با تمرکز بر صنایع خلاق ایجاد شد.

حمایت از فرهنگ در تمامی جنبه‌های بازتوسعه منطقه مشهود است. برای مثال، از سال ۲۰۰۰ شهر هلسینکی همه توسعه‌دهندگان جدید را ملزم کرده است که ۱ تا ۲ درصد از بودجه خود را به هنر عمومی اختصاص دهند. این سیاست باعث غنای منطقه از نظر آثار هنری عمومی شده و فرصت کار و دیده‌شدن را برای هنرمندان و طراحان محلی فراهم کرده است.

عربیا ۱۳۵، ۲۰۲۵، عربین پالولو، ۲۰۲۵، ون توییچ، کاروالو و ون هارن، ۲۰۱۳
Arabia 135, 2025; Arabian Palvelu Oy, 2025; van Tuijl, Carvalho and Van Haaren, 2013



- 1- Arabianranta
- 2- Creative Campus
- 3- Metropolia University of Applied Science
- 4- Pop and Jazz Conservatory

لطفاً اسکن کنید



روایت کادر ۱-۴ را بشنوید.

وقتی یک کارخانه، به قلب خلاق شهر تبدیل می‌شود.

SILICON ALLEE

مناطق دیجیتال خلاق اغلب از مناطق فرهنگی قبلاً تأسیس شده، به وجود آمده‌اند تا از نواحی تکنولوژی تازه ایجاد شده. دیجیتال خلاق ترکیبی از هنر، طراحی و علوم کامپیوتر را برای توسعه کالا و خدمات جدید توصیف می‌کند. برای مثال، سیلیکون آلی^۱، برلین، آلمان، یک منطقه برای زندگی، کار و برگزاری رویداد به منظور بازگشایی استارت آپ در سال ۲۰۱۷ با شرکت‌های تکنولوژی محلی و بین‌المللی ساخت.

مناطق تولید محصولات فرهنگی بیشتر تمایل به قرار گرفتن نزدیک مناطق تجاری مرکزی^۲ (CBD)، مناطق صنعتی و حاشیه شهرها که هدف با چشم‌اندازی برای بازآفرینی و تحول مکان نیز هستند، دارند. برخلاف پارک‌های فن‌آوری و علوم که اغلب در مکان‌های خارج شهر قرار دارند، مناطق خلاق و فرهنگی عموماً در مکان‌های بیشتر مرکزی و مناطقی که پیشتر صنعتی بوده‌اند، قرار دارند. این حوزه‌ها شامل هنرمندان سنتی، کارگاه‌های صنایع دستی و طراح - سازنده، معماری، طراحی و شرکت‌های خلاق-دیجیتال هستند. با این حال، به طور فزاینده‌ای شرکت‌های فرهنگی در کنار فعالیت‌های مصرف‌محور و مبتنی بر بازدیدکننده (و بالعکس) مستقر می‌شوند و از منافع متقابل خرده‌فروشی، مهمان‌نوازی و نمایش آثار بهره‌مند می‌گردند؛ برای مثال از طریق «استودیوهای باز^۳» و جشنواره‌ها. همچنین دسترسی به مجموعه‌ای از امکانات و فرصت‌های نوآوری، در مجموع به جذب نیروی کار خلاق، بازدیدکنندگان، مشتریان و بنگاه‌ها به یک منطقه کمک می‌کند.



کادر ۴-۲

منطقه فرهنگی آمستردام نورد، هلند^۱

منطقه فرهنگی آمستردام نورد نمونه‌ای از یک ناحیه رهاشده است که از ساختمان‌ها و فضاهای بلااستفاده، بهبود اتصال‌پذیری و جذب مراکز فرهنگی بزرگ بهره برده است. هم ساخت وسازهای جدید و هم بازاستفاده از ساختمان‌های صنعتی پیشین، ایجاد یک ناحیه خلاق را تسهیل کرده‌اند که ترکیبی از فضاهای کاری برای شرکت‌های فن آوری اطلاعات و ارتباطات و رسانه‌ای را دربرمی‌گیرد؛ از فضای کاری مدیریت شده‌ای لب^۲ گرفته تا یک مجموعه منحصر به فرد چندمنظوره هنر و سرگرمی شامل سالن کنسرت، تئاتر و فضاهای گالری. در نزدیکی آن، چندین طبقه از ساختمان پیشین شرکت رویال داچ شل^۳ - یک بنای شاخص ۲۲ طبقه با ارتفاع ۱۰۰ متر - به فضاهایی برای فعالیت شبانه تبدیل شده‌اند. ساختمان شاخص سینما/مؤسسه فیلم چشم^۴ که در سال ۲۰۱۲ افتتاح شد، از محل قبلی خود در منطقه موزه‌ای در سرزمین اصلی به این ناحیه منتقل شده و اکنون سالانه ۱.۲ میلیون بازدیدکننده را جذب می‌کند.

در امتداد ساحل رودخانه، که به مرکز شهر متصل است، ساختمان مرکزی بنلوکس^۵ شرکت MTV و همچنین فضاهای کاری هنرمندان در انبارهای بازتبدیل شده قرار دارند؛ از جمله یک آشپزخانه ۲۰ هزار مترمربعی که میزبان "شهر هنر" با استودیوهای موقت است. این منطقه که پیشتر فاقد هویت مشخصی بود، اکنون میزبان هاب‌های فرهنگی پویا است که در نتیجه پروژه‌های بلندمدت بازآفرینی شهری شکل گرفته‌اند؛ بزرگ‌ترین آنها اسکله NDSM است. این ناحیه که زمانی یک کشتی‌سازی عظیم بود، اکنون به یکی از محبوب‌ترین مکان‌های غیرمعارف آمستردام تبدیل شده و محل استقرار استودیوهای هنرمندان و کسب وکارهای خلاق-دیجیتال است، در حالی که همچنان زیبایی‌شناسی صنعتی و کارخانه مانند خود را حفظ کرده است.

Evans, 2024

ایوانز، ۲۰۲۴

نقشه



- 1- Amsterdam Noord, Netherlands
- 2- A-Lab
- 3- Royal Dutch Shell
- 4- Eye Film Institute/Cinema
- 5- Benelux
- 6- Arts City

لطفاً اسکن کنید



روایت کادر ۴-۲ را بشنوید.
از اسکله‌های فراموش شده
تا قلب تپنده‌ی فرهنگ آمستردام

شهرها و شهرک‌های کوچک‌تر، از جمله مناطق روستایی، می‌توانند از میراث فرهنگی و طبیعی خود برای ترویج مناطق فرهنگی در مقیاس خرد بهره‌برند. خوشه‌های کوچک کسب و کارهای فرهنگی و خلاق در مناطق روستایی و هم‌چنین در شهرها شناسایی شده‌اند (ولز، اسپینا^۱، ۲۰۲۳) و این خوشه‌ها می‌توانند از طریق سیاست‌های منطقه‌ای حمایت شوند. مناطق کوچک‌تر اغلب شامل خوشه‌هایی از خرده‌فروشی‌های تخصصی و فضاهای فرهنگی مانند گالری‌ها و هاب‌های اجتماعی هستند، و نیز بنگاه‌های کوچک و متوسط (SMES) هنر، طراحی و رسانه را در بر می‌گیرند تا هم نمایه‌گردشگری و هم اقتصاد فرهنگی محلی را تقویت کنند، از جمله از طریق جذب لوکیشن‌های فیلمبرداری و هنرمندان.



مناطق فرهنگی محلی مستقل هم‌چنین می‌توانند در بخش‌های کمتر شناخته شده شهرها شکوفا شوند و اغلب میزبان اشکال کوچک مقیاس تولید فرهنگی باشند. در این موارد، بنگاه‌ها به شبکه‌های اجتماعی و محیط‌های شهری ای که در آن فعالیت می‌کنند وابسته‌اند (ایچ^۲، ۲۰۰۸). در برخی نمونه‌ها، این مناطق با طراحان-سازندگان مستقل پیوند دارند که اغلب فارغ‌التحصیل آکادمی‌های هنر محلی هستند. برای نمونه، در شهر آرنهم^۳ هلند، در پروژه بازآفرینی شهری محله کارگری کلارندال^۴، منطقه از پیش دارای ریشه‌های مد از طریق دانشکده طراحی مد مؤسسه آرت ایز^۵ و فارغ‌التحصیلان موفق آن بود، و هم‌چنین دفتر مرکزی منطقه‌ای خرده‌فروشی‌ها و برندهای مد در شهر قرار داشت. از سال ۲۰۰۵ تا کنون، بیش از ۵۰ شغل در بخش خلاق در این منطقه ایجاد شده است. این روند شامل کارگاه‌های نمونه‌ای است که می‌توانند تولید کوچک مقیاس تا سقف ۱۵۰ قطعه را سازماندهی کنند؛ آرنهم فشن کانکشن^۶ که به دنبال همکاری نزدیک‌تر میان بخش مد آرت ایز و مؤسسه آموزش حرفه‌ای راینیسل^۷ است؛ هم‌چنین رویدادهای شب مد/نمایش مد^۸ و حتی هتل مد و طراحی مدز^۹ با ۲۰ اتاق که همگی توسط طراحان مد و محصول آموزش دیده در آرنهم طراحی شده‌اند. در شهر مد جهانی، میلان، ایتالیا، منطقه مد تیسینس^{۱۰} - ناحیه‌ای کانال محور و خوش‌منظره - در برابر فشارهای ناشی از نوسازی شهری و گران شدن فضاها^{۱۱} تاب آورده است؛ زیرا یک نظام خانوادگی و مبتنی بر اعتماد که از دیرباز در این منطقه وجود داشته، توانسته خود را با تغییرات بازار و شهر تطبیق دهد. در این منطقه، بخش عمده تولید و خدمات توسط افرادی انجام می‌شود که در همان‌جا زندگی و کار می‌کنند و هم‌زمان از اقتصاد گردشگری و فعالیت‌های صادراتی نیز پشتیبانی می‌شود.

1- Velez-Ospina
2- Aage
3- Arnhem
4- Klarendal

5- ArtEZ
6- Arnhem Fashion Connection
7- RijnIJssel
8- Fashion shows/Fashion Night

9- Modez
10- Ticinese
11- gentrification



کادر ۳-۴

جابجایی نهادهای فرهنگی عمومی برای تحریک شکل‌گیری خوشه‌ها

برخی مکان‌ها با انتقال نهادهای شاخص فرهنگی به مکان‌های جدید، توسعه را تحریک کرده‌اند. برای مثال، در سال ۲۰۱۱ استودیوی کانال BBC شبکه عمومی بریتانیا بخش قابل توجهی از فعالیت‌های خود را از لندن به سالفورد^۱ در شمال غرب انگلستان منتقل کرد. این جابجایی که یکی از بزرگ‌ترین پروژه‌های انتقال بخش عمومی در تاریخ بریتانیا بود، با هدف ایجاد «اثر لنگر^۲» انجام شد؛ به این معنا که حضور یک نهاد شاخص، استارت‌آپ‌ها و کسب‌وکارهای مکمل را تحریک می‌کند. یک مطالعه نشان داد که این انتقال بیش از ۲۵۰۰ شغل در سطح ملی و محلی و ۱۴۰۰ شغل دیگر در بخش پشتیبانی رسانه‌ای ایجاد کرده و موجب افزایش فعالیت‌های هتلداری و مهمان‌نوازی شده است. مطالعه‌ای جدیدتر نشان می‌دهد هر شغل BBC در سالفورد به طور متوسط ۰/۳۳ شغل اضافی در صنایع خلاق بین سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۷ ایجاد کرده است.

در دانمارک، رسانه ملی به شهری جدید در خارج از پایتخت منتقل شد. انتقال به توسعه جدید اورستاد^۳ در کپنهاگ، همراه با دانشکده علوم انسانی دانشگاه کپنهاگ و شهر رسانه‌ای متکی بر شرکت پخش دانمارک و دانشگاه IT جدید، موجب جابجایی حدود ۳۰۰۰ کارمند از ۱۰ محل پراکنده به یک منطقه متمرکز شد. این مشارکت‌ها، شبکه‌ای بین‌المللی در حوزه فرهنگ، رسانه و فن‌آوری ارتباطات ایجاد کردند.

مود، ۲۰۱۴، ناتان و همکاران، ۲۰۲۴، کوینهاگ، ۲۰۰۳، جاتروف، ۲۰۰۹، نالیز، ۲۰۱۲
Mould, 2014; Nathan et al., 2024; Copenhagen, 2003; Jotroff, 2009; Knowles, 2012.

۱
۲
۳

- 1- Salford
- 2- Anchor Effect
- 3- Ørestad



لطفاً اسکن کنید



روایت کادر ۳-۴ را بشنوید.
وقتی نهادهای فرهنگی، شهر را جابه‌جا می‌کنند.

شواهدی از اثرات اقتصادی مناطق فرهنگی وجود دارد. برای مثال در ایالات متحده، مناطق فرهنگی با افزایش ارزش املاک، اشتغال و درآمد مرتبط بوده اند. مطالعه ای روی ۹۹ منطقه فرهنگی نشان داد که این مناطق رشد ارزش املاک، افزایش اشتغال و کاهش نرخ فقر بیشتری نسبت به سایر محله ها داشته اند. همچنین ترکیب مناطق فرهنگی با حضور دانشگاه ها و کالج های هنر و طراحی، با رشد بالاتر اشتغال به ویژه در حوزه رسانه همراه بوده است. شهرهایی که دارای منطقه فرهنگی هستند، نرخ بالاتری از نوآوری در هنرهای رسانه ای ثبت کرده اند.

سرمایه گذاری در فضاهای کاری هنرمندان همچنین نشان داده است که با پیامدهای اقتصادی مطلوب همبستگی دارد. مطالعه درباره اثرات سرریز سرمایه گذاری در فضاهای کار/زندگی هنرمندان و پروژه های کاربری مختلط در تورنتو نشان داد که فعالیت فرهنگی یک منطقه ارتباط قوی با رشد اقتصادی، افزایش فروش خرده فروشی، بهبود تصویر شهری و جذب سرمایه دارد (جونز و همکاران^۱، ۲۰۰۴). افزون بر این، نتایج نظرسنجی های همراه این مطالعه نشان داد که ساکنان محلی و کسب وکارها بر این باور بودند که هنرمندان و امکانات جدید، محرک های مهم رشد (یعنی شکل گیری بنگاه های جدید و افزایش سودآوری) و تغییر، از جمله در حوزه رفاه، بوده اند. سایر آثار شامل اشتغال و درآمد بالاتر، بیکاری کمتر و سطوح بالاتر تحصیلات در جامعه محلی، و نیز توسعه ساختمانی جدید بود.

تأثیرات اجتماعی نواحی فرهنگی نیز در سطح محلی و جهانی به رسمیت شناخته شده است (کروسیک^۲، ۲۰۱۹). شبکه جهانی نواحی فرهنگی (GCDN) دستورالعمل ها و گونه شناسی ای از آثار اجتماعی تدوین کرده است که بیش از بیست ناحیه فرهنگی مشارکت کننده، تنوع زمینه ها و اهداف محلی خود را در آن شناسایی کرده اند. این آثار شامل برابری و شمول اجتماعی، سرزندگی شهری و عرصه عمومی؛ محله و اجتماع؛ مداخلات اجتماعی هدفمند؛ آثار اجتماعی- فرهنگی؛ و آثار نوآورانه است. اگرچه هر یک از این انواع در برخی از نواحی فرهنگی مشاهده می شود، اما دو مورد نخست بسیار رایج تر و دو مورد پایانی کم نمایان تر هستند. توجه به این گونه شناسی می تواند به نواحی فرهنگی و ذینفعان آنها کمک کند تا رویکردی جامع تر برای سنجش اثرات اجتماعی توسعه دهند.

تأمین فضای کاری یکی از عناصر کلیدی نواحی فرهنگی است و سیاست های حمایت از حفظ مناطق تولیدی و تأمین و حفاظت از فضاهای کاری و امکانات اختصاصی برای فعالیت های فرهنگی، امروزه به طور گسترده ای به رسمیت شناخته شده اند. به ویژه استودیوهای مقرون به صرفه هنرمندان، بارها قربانی فرآیندهای نوسازی و اعیان سازی شده اند؛ موضوعی که نخستین بار در دهه ۱۹۸۰ در نیویورک تحت عنوان «زندگی در انبارها»^۳ مستند شد (زوکین^۴، ۱۹۸۲). از این رو، رویکردهای هدفمند برای توسعه و حمایت از تأمین مدیریت شده فضاهای کاری، راهبردی کلیدی در نواحی فرهنگی و پروژه های نوسازی به شمار می آیند؛ به ویژه در مورد ساختمان های موجود استودیو، که بهترین شکل ارائه آنها از طریق سازمان های تخصصی فضای کاری و استودیویی فرهنگی است.

همکاری با سازمان های مدیریت فضاهای استودیویی به عنوان بخشی از مشارکت های نوسازی می تواند به حفاظت از فضاهای کاری و حفظ مقرون به صرفه بودن آنها کمک کند. سازمان های فضای کاری صنایع خلاق، به عنوان واسطه ها و بهره برداران کلیدی فضاهای کاری انعطاف پذیر برای طیفی از فضاهای تولیدی و خلاق دیجیتال شناخته شده اند. توسعه استودیوهای هنرمندان و فضاهای کاری صنایع فرهنگی همچنین می تواند شامل سکونت کار^۵ در محل یا نزدیکی آن، و نیز مجموعه ای از خدمات پشتیبان فنی (مانند آزمایشگاه ها و نمونه سازی)، عملیاتی و حمایتی کسب وکار باشد.

1- Jones et al., 2004

2- Crossick, 2019

3- Global Cultural District Network

4- Loft Living

5- Zukin, 1982

ابزارهای سیاستی متعددی وجود دارد که می‌توانند به حفظ تأمین فضاهای کاری فرهنگی برای پشتیبانی از نواحی فرهنگی کمک کنند. این ابزارها شامل موارد زیر است:

- ◆ **پهنه‌بندی^۱** : تعیین نواحی فرهنگی برای کاربری‌های فرهنگی و صنایع مرتبط، به‌ویژه برای محدودکردن توسعه بیش از حد کاربری‌های مسکونی و اداری و فضاهای تک‌کاربردی؛
- ◆ **کنترل‌های برنامه‌ریزی^۲** : محدودکردن تغییر کاربری و اندازه سطح اشغال به منظور حفاظت از استودیوها و کارگاه‌های بزرگ و جلوگیری از خردشدن آنها به واحدهای کوچکتر؛
- ◆ **ترویج توسعه کاربری مختلط^۳** : تشویق به ترکیب کاربری‌های صنعتی، مسکونی و خدماتی در مقیاس ساختمان، بلوک و ناحیه؛
- ◆ **اجرای نظام مجوزدهی انعطاف‌پذیر^۴** : برای کاربری‌های موقت در ساعات روز/شب و ایام هفته/آخرفته، مانند فروشگاه‌ها، گالری‌ها و کلوپ‌ها، و تمدید مجوز برای رویدادها و جشنواره‌ها.

بسیاری از کشورها مناطق ویژه توسعه‌ای اختصاص یافته به بخش‌های فرهنگی و خلاق را اجرا کرده‌اند. برای مثال، در کلمبیا، شکل‌گیری نواحی خلاق یا «مناطق توسعه نارنجی^۵» (ADNS) یکی از عناصر محوری سیاست ملی اقتصاد نارنجی^۶ در سال ۲۰۱۷ بوده است. دولت ملی از دولت‌های محلی در ایجاد ADNS برای بخش‌های مختلف صنایع خلاق حمایت کرده است. برای مثال در شهر کالی^۷، دولت شهری، میراث فرهنگی غنی خود در رقص سنتی کلمبیایی، سالسا و هنرهای نمایشی را به رسمیت شناخت. شهرداری مرکز "لا لیکوررا^۸ ADN" را برای رقص و طراحی حرکات موزون افتتاح کرد؛ مرکزی که به‌عنوان اهرمی برای افزایش جذابیت فرهنگی منطقه و نوسازی شهری محله عمل می‌کند (OECD، ۲۰۲۲).

صندوق‌های توسعه خلاق^۹ در چندین مکان ایجاد شده‌اند تا تأمین پایدار فضای کاری برای هنر و فعالیت‌های فرهنگی را فراهم کنند. در استرالیا، تأسیس اخیر «صندوق زمین خلاق^{۱۰}» (CLT) با هدف تملک و توسعه فضاهای کاری مقرون به صرفه برای هنرمندان، سازندگان، موسیقی‌دانان و هنرمندان نمایشی سیدنی انجام شده است (WCCF، ۲۰۲۴). الگوی صندوق به‌طور فزاینده‌ای توسط شهرها برای پاسخ به نیاز به فضاهای کاری خلاقانه بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرد. CLT ها از الگوهای موفق مانند «صندوق تثبیت هنرهای اجتماعی سانفرانسیسکو^{۱۱}» که در سال ۲۰۱۳ تأسیس شد، الهام گرفته‌اند؛ نهادی که از طریق سازوکارهای نوآورانه تأمین مالی و مشارکت با نیکوکاران، سرمایه‌گذاران و نهادهای دولتی، توانسته است فضاهای کاری مقرون به صرفه بلندمدت برای هنرمندان فراهم کند. اصل بنیادین این طرح آن است که یک نهاد غیرانتفاعی ایجاد می‌شود تا ساختمان‌ها را خریداری کرده یا به صورت اجاره‌های بلندمدت در اختیار بگیرد و سپس آنها را با اجاره‌های قابل دسترس و مقرون به صرفه به فعالان خلاق واگذار کند.

1- Zoning

2- Planning Controls

3- Mixed-use development

4- Flexible licensing

5- Orange Development Areas – ADNs

6- National Orange Economy Policy

7- Cali

8- La Licorera ADN

9- Creative Development Trusts

10- Creative Land Trust

11- San Francisco's Community Arts Stabilization Trust



طرح‌های «پایتخت فرهنگی»^۱ یکی از راه‌های ایجاد تصویر مثبت از شهر و تحریک سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های فرهنگی و اجتماعی هستند. رویکرد پایتخت فرهنگی طی ۴۰ سال گذشته به طور قابل توجهی تکامل یافته است. تمرکز اولیه «پایتخت فرهنگی اروپا» بر افزایش جذابیت سرزمینی برای بازدیدکنندگان و تقویت حس هویت و افتخار محلی بود. این رویکرد به تدریج با اهداف گسترده‌تری در زمینه شمول اجتماعی، سرمایه اجتماعی و بهزیستی غنی‌تر شده و همزمان اکوسیستم‌های فرهنگی و خلاق محلی را نیز تقویت کرده است. این الگو به طور گسترده در قاره آمریکا، خاورمیانه و جنوب و شرق آسیا - و همچنین در رقابت‌های ملی و منطق‌های پایتخت فرهنگی شهرها، مانند کره، ایتالیا و بریتانیا - اقتباس و بومی‌سازی شده است. مزیت برنامه‌های نوع پایتخت فرهنگی، تمرکز آنها بر یک برنامه یک ساله از رویدادهاست که امکان توسعه عمیق‌تر پروژه‌های اجتماعی و تعامل معنادار با مخاطبان محلی را فراهم می‌کند. در کنار سطح بالای دیده شدن^۲ که به شهرهای پایتخت فرهنگی داده می‌شود و ظرفیت آن‌ها برای برندسازی مکانی^۳، این برنامه‌ها می‌توانند فرایند تحول فرهنگی بلندمدت را رهبری کنند؛ هرچند شواهد درباره اثرات اقتصادی مستقیم آنها یک دست و قطعی نیست (کادر ۵-۲ را ملاظه نمایید).



دوسالانه‌ها و سه سالانه‌ها^۴ رویدادهایی هستند که در سطح بین‌المللی به رسمیت شناخته شده‌اند و اکنون بیش از ۳۰۰ مکان در جهان هر دو یا سه سال یک بار میزبان آنها هستند. این رویدادهای هنری در سراسر جهان برگزار می‌شوند و دوسالانه ونیز^۵ به عنوان نمونه اولیه، سالانه حدود ۵۰۰ هزار بازدیدکننده جذب می‌کند. ماهیت انعطاف‌پذیر و تجمعی این رویدادها امکان تحول مکانی را در مقیاس‌های مختلف و در طول زمان فراهم می‌آورد. جشنواره‌های هنری می‌توانند در یک مکان یا فضای واحد برگزار شوند، یا در چندین گالری و مکان مختلف توزیع شوند، و یا در چندین موقعیت جغرافیایی متفاوت. مانند دوازده جزیره ستوچی^۶ در ژاپن - برگزار کردند (کادر ۵-۱). چندین رویداد با سابقه، به مرور از فضاهای اولیه خود فراتر رفته و موجب توسعه زیرساخت‌های فرهنگی جدید شده‌اند. برای مثال، یک مرکز نمایشگاهی جدید با رویکرد «شهروندوست»^۷ برای دوسالانه گوانگجو^۸ در کره جنوبی، در محدوده موزه‌های پارک جونگوو^۹ در مرکز شهر ایجاد شده است. این پروژه بزرگ مقیاس، خانه‌ای جدید برای قدیمی‌ترین دوسالانه هنر معاصر آسیا فراهم خواهد کرد. همچنین در کره جنوبی، دوسالانه صنایع دستی چونگجو^{۱۰} از سال ۲۰۱۱ در یک کارخانه فرآوری تنباکوی بازسازی شده برگزار می‌شود که حدود ۱۰۰ هزار متر مربع فضای ساختمانی را در بر می‌گیرد و به عنوان یک خوشه محلی هنر و فرهنگ عمل می‌کند؛ خوشه‌ای که شامل یکی از شعب موزه ملی هنر مدرن و معاصر نیز هست.

1- Capital of Culture
2- visibility
3- place branding
4- Biennales and Triennales
5- Venice Biennale

6- Setouchi
7- Citizen-Friendly
8- Gwangju Biennale
9- Jungwoe Park
10- Cheongju Craft Biennale



کادر ۵-۱

سه سالانه بین‌المللی هنر ستوجی، ژاپن

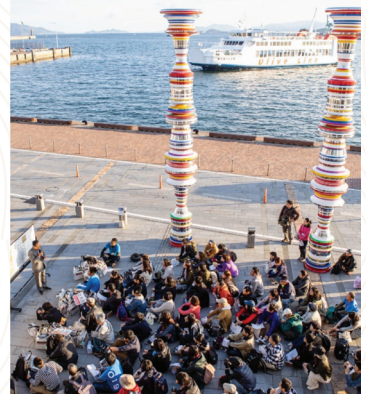
سه سالانه بین‌المللی هنر ستوجی یک جشنواره هنر معاصر است که هر سه سال یک بار در دوازده جزیره در دریای داخلی ستو و شهرهای ساحلی تاکاماتسو و تامانو^۱ در ژاپن برگزار می‌شود. این رویداد که در سال ۲۰۱۰ آغاز شد، با میزبانی یک جشنواره هنری بین‌المللی و ترویج گردشگری، در پی احیای دوازده جزیره دورافتاده با جمعیت رو به کاهش و سالخورده است و در عین حال می‌کوشد هنرمندان مقیم و سایر افراد را به کار و فعالیت در منطقه جزیره‌ای جذب کند. این سه سالانه هر سه سال به مدت هشت ماه برگزار می‌شود. در حالی که برخی از نمایشگاه‌ها و آثار نصب شده در موزه‌ها دائمی هستند، بسیاری از جزایر کوچک‌تر میزبان نمایشگاه‌های موقت و برنامه‌های اقامت هنرمندان هستند و حدود ۲۰۰ مجسمه و اثر هنری در بیش از دوازده جزیره منطقه پراکنده شده‌اند. این جشنواره به ترویج جزایر به عنوان یک مقصد گردشگری کمک کرده و اقتصاد محلی را تقویت کرده است. تعداد بازدیدکنندگان در هر دوره افزایش یافته و این جزایر اکنون به عنوان مقصدی شناخته شده برای هنر معاصر مطرح هستند.

این سه سالانه همچنین در پی درگیر کردن جزایر کوچک‌تر و دورافتاده‌تر است. این جشنواره در ابتدا شامل هفت جزیره بود، اما بعدها به دوازده جزیره گسترش یافت. افزون بر این، نمایشگاه‌های هنری کوچک مقیاس با مشارکت جامعه محلی نیز آغاز شده‌اند؛ از جمله جشنواره شیوسای^۲ در روستای جزیره‌های میتارای^۳. این جشنواره که در مواجهه با پیامدهای کاهش جمعیت، سالخوردگی و افول اجتماعی-اقتصادی شکل گرفته، نمونه‌ای از رویکرد پایین به بالا در تحول مکانی است. این جشنواره هنری جامعه محور که به مدت یک هفته برگزار می‌شود، از سال ۲۰۱۷ برای احیای روستایی با ۲۰۰ سکنه برگزار شده که ۶۰ درصد آنان بالای ۶۵ سال و ۳۳ درصد بالای ۸۰ سال سن دارند. تمرکز جشنواره بر جامعه محلی است و بر مشارکت اجتماعی، هم‌آفرینی و توسعه مشترک تأکید دارد. این رویداد پیوندهای اجتماعی میان هنرمندان مناطق هم‌جوار را تقویت می‌کند و از طریق مشارکت با کسب و کارهای محلی و دانشگاه‌های اطراف، همکاری‌های گسترده‌تری ایجاد می‌کند. ارزیابی‌ها نشان می‌دهد که این جشنواره موجب افزایش بازدید از منطقه شده و میراث فرهنگی نهفته را دوباره فعال کرده است.

OECD, 2014, Qu and Cheer, 2020. کیو و چیر، ۲۰۲۰. OECD, 2014, Qu and Cheer, 2020.

۱

- 1- Takamatsu and Tamano
- 2- Shiosai
- 3- Mitarai



لطفاً اسکن کنید

روایت کادر ۵-۱ را بشنوید.

هر سه سال یک‌بار، در دل دریای داخلی ستو،
جزایر کوچک ژاپن جان تازه‌ای می‌گیرند.

نمایشگاه‌های بین‌المللی (اکسپوها) یکی از بزرگ‌ترین رویدادهای فرهنگی در مقیاس جهانی به شمار می‌روند و نقش مهمی در ایجاد فرصت‌های قابل توجه برای بازآفرینی مبتنی بر فرهنگ داشته‌اند. این رویدادها که اساساً شامل غرفه‌هایی از کشورهای شرکت‌کننده با موضوعات تعیین شده از سوی میزبان هستند، می‌توانند بخشی از تلاش‌های گسترده‌تر بازآفرینی در سطح شهری یا حتی ملی باشند. برای مثال، اکسپوی ۱۹۹۸ لیسبون در پرتغال بیش از ۳۴۰ هکتار از اراضی صنعتی ساحلی را بازآفرینی کرد که بعدها برای برنامه پایتخت فرهنگی اروپا در سال ۲۰۰۴ مورد استفاده قرار گرفت. اکسپوها همچنین برای توسعه مناطق جدید و گسترش شهرها به کار رفته‌اند؛ مانند شانگهای چین در سال ۲۰۱۰ و میلان ایتالیا در سال ۲۰۱۵. با این حال، بهره‌گیری حداکثری از ظرفیت بازآفرینی فرهنگی در این سایت‌ها مستلزم برنامه‌ریزی فرهنگی از مراحل اولیه است تا از دوره‌های طولانی رکود و فضاهای بلااستفاده پس از پایان اکسپو جلوگیری شود.

نمایشگاه‌های تجاری نوعی رویداد کمتر مورد توجه قرار گرفته هستند که می‌توانند منافع قابل توجهی برای تلاش‌های بازآفرینی و رشد صنایع خلاق ایجاد کنند. رویدادهای تجاری بین‌المللی مهم می‌توانند بخش‌های فرهنگی را به نمایش بگذارند، مانند نمایشگاه طراحی فیرای میلان^۲ در ایتالیا و نمایشگاه‌های هنر معاصر و کتاب نظیر آرت بازل^۳، تفاف ماستریخت^۴ و نمایشگاه کتاب فرانکفورت. سایت‌های نمایشگاهی و فضاهای پیرامونی آنها نیز می‌توانند بخشی از پروژه‌های بازآفرینی باشند و راهبردی برای استقرار تمام یا بخشی از این نمایشگاه‌ها در مناطق در حال بازآفرینی می‌تواند پیوندی میان نواحی فرهنگی و رویدادهای شاخص ایجاد کند. این امر شامل هفته‌های مد است که به طور فزاینده‌ای در فضاهای میراثی و فضاهای بلااستفاده موقت برگزار می‌شوند، و همچنین جشنواره‌های طراحی در شهرهایی مانند آمستردام^۵ در هلند، استکهلم^۶ در سوئد و وین^۷ در اتریش. نمایشگاه‌های تجاری هم‌چنین می‌توانند شامل استودیوهای باز باشند و به تولیدکنندگان کوچک امکان دهند آثار خود را معرفی کرده و عموم مردم را به فضاهای کارگاهی شهرهایی جذب کنند که در غیر این صورت جاذبه‌های خرده‌فروشی یا گردشگری ندارند. هم‌چنین می‌توان از مسیرهای مشخص برای توزیع بازدیدکنندگان و گسترش پوشش رویداد به بخش‌های کمتر شناخته شده شهر استفاده کرد؛ برای مثال دیزاین مای^۸ در برلین آلمان.

جشنواره‌های محلی یکی از اجزای مهم بازآفرینی مبتنی بر فرهنگ هستند و به بیان آرمان‌ها و نگرش‌های فرهنگی و اجتماعی جامعه نسبت به فرآیند بازآفرینی کمک می‌کنند. جشنواره‌های محلی می‌توانند نقش کلیدی در جلب مشارکت جامعه و همکاری‌های بعدی ایفا کنند، از جمله در شکل دهی به مسیر آینده خود فرآیند بازآفرینی. از جمله نمونه‌ها می‌توان به جشنواره هیکنی ویکد^۹ اشاره کرد که در سایه پروژه بزرگ بازآفرینی پارک المپیک در شرق لندن، بریتانیا برگزار شد. این جشنواره که توسط اعضای محلی جامعه و هنرمندان ساکن منطقه سازماندهی شد، موضوعاتی چون اعیان‌سازی، فضای کار مقرون به صرفه و مسائل زیست محیطی مانند آلودگی آب را مطرح کرد و هم‌زمان از طریق استودیوهای باز، نصب‌های هنری و کارگاه‌ها، آثار هنری و فعالیت‌های گروه‌های فرهنگی محله را ترویج داد. یکی از مفاهیم جشنواره‌ای که به طور فزاینده‌ای محبوب شده است، رویداد «شب سفید»^{۱۰} است که ریشه آن به پاریس، فرانسه در اوایل دهه ۲۰۰۰ بازمی‌گردد و امروزه توسط شهرهای سراسر جهان اجرا می‌شود. این رویداد فضاهای فرهنگی شهر را در شب به روی مخاطبان می‌گشاید. علاوه بر افزایش پویایی فرهنگی شهر، این نوع رویدادها می‌توانند به ترویج محله‌های کمتر برخوردار نیز کمک کنند. برای مثال، شهر سویل^{۱۱} در اسپانیا در حال گسترش رویداد نوچن بلانکو^{۱۲} به محله‌هایی خارج از هسته مرکزی شهر است.

رویدادهای کوچک مقیاس هم‌چنین می‌توانند بخشی از راهبردهای تخصصی و تقویت سرمایه فرهنگی محلی باشند. برای نمونه، شهر دنبوش^{۱۳} در هلند شبکه‌ای از «شهرهای بوش»^{۱۴} ایجاد کرد و پروژه پژوهش و مرمت بوش^{۱۵} را برای تحلیل و بازسازی آثار ارزشمند قرون وسطایی با بهره‌گیری از تخصص هلندی راه‌اندازی نمود. این راهبرد چنان موفق بود که شهر توانست ۱۷ اثر از ۲۵ نقاشی باقیمانده هیرونیموس بوش^{۱۶} را گردآوری کند. نمایشگاه بازتاب ملی گسترده‌ای داشت و بلیت‌ها به سرعت به فروش رفتند، به گونه‌ای که ساعات بازدید به صورت پیوسته تا ۳۹ ساعت در آخرین آخر هفته تمدید شد و ۴۲۰ هزار بازدیدکننده را جذب کرد. این شهر در پی آن است که از این رویداد برای تبدیل خود به یک قطب دانشی در هنر قرون وسطی بهره بگیرد. در مجموع، برنامه بوش ۷/۴ میلیون بازدید را جذب کرد که نشان می‌دهد خلاقیت و روایتگری مؤثر می‌تواند در جذب افراد به مکان‌های کوچک بسیار کارآمد باشد.

شواهد نشان می‌دهد که رویدادهای محلی روابط اجتماعی و رفاه فردی را تقویت می‌کنند. یک مرور بین‌المللی از زیرساخت‌های اجتماعی در بازآفرینی مکانی نشان داد که رویدادهای محلی موجب تقویت روابط اجتماعی، افزایش رفاه فردی و بهبود انسجام اجتماعی می‌شوند؛ به ویژه از طریق تقویت حس تعلق و غرور ناشی از جشن گرفتن هویت مشترک، توانمندسازی جمعی، مشارکت مدنی، تبادل دانش و تبادل فرهنگی. با این حال، در برخی موارد آثار منفی نیز مشاهده شده است، از جمله از دست رفتن بالقوه هویت مشترک، اعیان‌سازی، و طرد فیزیکی یا ادراک شده ساکنان محلی از رویدادها؛ که بر اهمیت مشارکت دادن گروه‌های محلی در برنامه‌ریزی و اجرای رویدادهای محلی تأکید دارد.

1- Expos
2- Design Fiera in Milan
3- Art Basel
4- TEFAF Maastricht

5- Eindhoven
6- Stockholm
7- Vienna
8- Design Mai

9- Hackney WickEd
10- Late Night / Nuit Blanche
11- Seville
12- Noche en Blanco

13- Den Bosch
14- Bosch Cities
15- Bosch Research and Renovation Project
16- Hieronymus Bosch



کادر ۵-۲

اثرات بلند مدت پایتخت‌های فرهنگی اروپا (ECOC)

EUROPEAN CAPITALS OF CULTURE

یک بازنگری از سی سال اول طرح پایتخت‌های فرهنگی، شواهدی از اثر طرح‌ها بر جوامع محلی نشان داد. اگرچه این اثر بر اقتصادهای محلی کمتر بود. این بازنگری، اثرات فرهنگی، اجتماعی، و اقتصادی حاصل از ECOC را بررسی کرد. نتایج نشان داد:

طرح تأثیر معناداری بر جنب و جوش فرهنگی شهر گذاشته است. این اثر شامل کمک به قوی شدن شبکه‌های ارتباطی، فراهم کردن امکانات برای همکاری‌های جدید، تشویق مشاغل جدید برای ادامه دادن، افزایش ظرفیت و همت بخش فرهنگی می‌شود.

میزبانی ECOC می‌تواند تصویر عمومی منفی از یک مکان را عوض کند و درک ملی و محلی را افزایش دهد. خیلی از میزبان‌های ECOC گزارش داده‌اند که برای مثال شهروندان بعد از این رویداد، احساس می‌کنند شهرشان مکان بهتری برای زندگی است.

اثرات اجتماعی میزبانی پایتخت فرهنگی اروپا (ECOC) می‌تواند فراتر از احساس غرور مکانی رفته و به افزایش انسجام اجتماعی منجر شود. این اثرات اجتماعی همچنین می‌تواند شامل افزایش مشارکت ساکنان محلی در هنر و فرهنگ باشد.

شواهدی از تأثیر مثبت میزبانی ECOC بر گردشگری محلی وجود دارد. میزبانی یک ECOC می‌تواند تأثیر قابل توجهی بر روندهای گردشگری کوتاه مدت تا میان مدت داشته باشد که به نوبه خود می‌تواند بر اقتصاد شهر اثر بگذارد. سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها و سایر برنامه‌ها (مانند آموزش و مهارت آموزی) که هم زمان با رویدادهایی مانند ECOC انجام می‌شوند، می‌توانند به تقویت رشد اقتصادی کمک کنند.



لطفاً اسکن کنید



روایت کادر ۵-۲ را بشنوید.

وقتی یک شهر، پایتخت فرهنگ می‌شود.

فرا تحلیل‌های جدیدتر شواهد محدودی از اثرات اقتصادی بلندمدت یافته‌اند. مرور جدیدی از پژوهش‌های دانشگاهی درباره اثرات اقتصادی بلندمدت میزبانی ECOC نتایج متناقضی را نشان داده است. برای مثال، برخی مطالعات اثرات مثبت قابل توجهی بر تولید ناخالص داخلی (GDP) یا گردشگری در منطقه محلی نشان داده‌اند، در حالی که برخی دیگر هیچ اثر معناداری یا حتی اثر منفی بر اقتصاد میزبان نیافته‌اند. این مطالعه همچنین نتیجه‌گیری می‌کند که شواهد اندکی درباره تأثیرات بلندمدت بر اشتغال یا حمایت از صنایع خلاق وجود دارد. با این حال، نویسندگان تأکید می‌کنند که میزبانی ECOC می‌تواند مزایای دیگری فراتر از نتایج اقتصادی بلندمدت داشته باشد.

با این وجود، مطالعات در سطح ملی بازده اقتصادی قابل توجهی برای شهرهای میزبان فرهنگ نشان داده‌اند. برای نمونه، ارزیابی برنامه «شهر فرهنگ بریتانیا» نشان داد اند. برای نمونه، ارزیابی برنامه «شهر فرهنگ بریتانیا» نشان داد که ۱۰۳/۱ میلیون پوند هزینه شده در این برنامه تا آن زمان، بیش از ۱ میلیارد پوند سرمایه‌گذاری اضافی ایجاد کرده است که حدود ۲۵ درصد آن از بخش خصوصی تأمین شده است. این ارزیابی همچنین نشان می‌دهد که حدود ۳۱۰۰ شغل جدید در بخش‌های گردشگری و مهمان‌داری در سه شهر میزبان ایجاد شده است.

گارسیا، ۲۰۱۴، نرmond، لی و ابرین، ۲۰۲۱، اسکات، نیلندز و بیر، ۲۰۲۵

Garcia, 2014; Nermond, Lee and O'Brien, 2021; Scott, Neelands and Beer, 2025.



حتی درخواست‌های ناموفق برای میزبانی رویدادها نیز می‌توانند به تقویت فرایندهای بازآفرینی مبتنی بر فرهنگ منجر شوند. شرکت در رقابت برای میزبانی رویدادهایی مانند «پایتخت‌های فرهنگی» می‌تواند ذی‌نفعان محلی را گرد هم آورد و تعهد آن‌ها را نسبت به برنامه‌های بازآفرینی فرهنگی افزایش دهد، حتی اگر در نهایت این درخواست به نتیجه نرسد. برای مثال، شهر لیمریک در ایرلند در تلاش خود برای کسب عنوان پایتخت فرهنگی اروپا ۲۰۲۰ موفق نبود. با این حال، همین فرایند درخواست میزبانی باعث ایجاد تغییرات مهمی در شیوه‌های ترویج و حکمرانی هنر و فرهنگ در این شهر شد؛ از جمله از طریق تأسیس کمیته سیاست‌گذاری راهبردی فرهنگ و هنر (رایان و مک پرسون، ۲۰۲۰).

راهبردهای مرتبط با رویدادها باید بر دارایی‌های فرهنگی موجود و میراث فرهنگی محلی استوار باشند و آن‌ها را تقویت کنند تا دستیابی به آثار ماندگار و اهداف بازآفرینی امکان‌پذیر شود. دگرگونی‌های مبتنی بر رویداد و شکل‌دهی به مکان، وابسته به عناوین یا جایگاه‌های بیرونی نیست، بلکه به وجود یک موضوع قوی و اصیل و اهداف مشترک متکی است. از این رو، شناسایی و برجسته‌سازی توانمندی‌های موجود اهمیت بیشتری دارد تا تحمیل برنامه‌ها و فعالیت‌هایی که از بالا طراحی شده‌اند. ارزیابی فعالیت‌های هم‌آفرینی در ارتباط با بازی‌های همسود کشورهای مشترک‌المنافع بیرونگام نشان داد که پروژه‌های موفق دارای ویژگی‌های زیر بوده‌اند:

داشتن هدفی مشخص و متمایز که بتواند مشارکت گسترده‌ترین طیف مخاطبان را جلب کند؛ تمرکز بر یک فعالیت مشارکتی ساده که به تدریج به برنامه‌ای با مشارکت انبوه گسترش یافته است؛ ایجاد بسترهایی برای بازاندیشی فعال میراث محلی توسط مخاطبان و مشارکت‌کنندگان معاصر (ایندیگو لیمیتد، پانچ رکوردز، ۲۰۲۳)

برای حفظ منافع کوتاه‌مدت رویدادها در بلندمدت، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های فرهنگی، شبکه‌های همکاری و سازوکارهای حکمرانی ضروری است. میزبانی یک رویداد فرهنگی به‌تنهایی منجر به تحول پایدار مکانی نمی‌شود، مگر آنکه این رویداد در چارچوب برنامه‌ها و راهبردهای گسترده‌تر شهری و منطقه‌ای نهادینه شود.

اگرچه رویدادهای فرهنگی بزرگ می‌توانند در کوتاه‌مدت باعث افزایش جریان بازدیدکنندگان و رونق اقتصادی شوند، اما ایجاد آثار تحول‌آفرین پایدار نیازمند مجموعه‌ای گسترده‌تر از برنامه‌ها و ابتکارات است. برای نمونه، مرور تجربه پایتخت فرهنگی اروپا (کادر ۵-۲) را ملاحظه نمایید) نشان می‌دهد که موفق‌ترین رویدادها آن‌هایی بوده‌اند که دستورکارهای میان‌بخشی، معمولاً میان فرهنگ، گردشگری، آموزش و خدمات اجتماعی، توسعه داده‌اند و تلاش مستمری برای افزایش مشارکت عمومی داشته‌اند (گارسیا، ۲۰۱۴). در عمل، این راهبردهای فرهنگی پس از رویداد هستند که بیشترین تأثیر را بر جوامع محلی و تقویت زیست‌بوم‌های فرهنگی و خلاق محلی بر جای می‌گذارند.



کادر ۵-۳

اثر میزبانی رویدادها بر جوامع کوچک و روستایی

جشنواره‌ها و رویدادهای هنری و فرهنگی می‌توانند برای مکان‌های کوچک‌تر و کمتر شناخته شده فرصتی نادر برای ایجاد هویت، ارتقای جایگاه و فعال‌سازی جوامع فرهنگی محلی فراهم کنند. این امر می‌تواند از طریق میزبانی رویدادهایی مانند پایتخت فرهنگی، بینال‌ها، کارناوال‌ها، جشنواره‌ها و رویدادهای اجتماعی محلی محقق شود. نمونه‌هایی از تأثیر این رویدادها بر مکان‌های کوچک‌تر عبارتند از:

◆ **شهر ولترا در ایتالیا** که اگرچه در برنامه ملی «شهر فرهنگ» موفق نشد، اما در سال ۲۰۲۲ به عنوان نخستین شهر فرهنگی منطقه‌ای انتخاب شد و بیش از ۵۰۰ رویداد فرهنگی شامل جشن صنایع دستی سنتی و میراث فرهنگی برگزار کرد. بررسی‌ها نشان داد، برنامه ولترا ۲۲٪ از نظر ۷۵٪ شرکت‌کنندگان برای منطقه منافع مثبت به همراه داشته و ۶۵٪ افراد در رویدادها و فعالیت‌ها شرکت کرده‌اند.



لطفاً اسکن کنید

روایت کادر ۵-۳ را بشنوید.

وقتی یک رویداد،

جان تازه‌ای به یک جامعه‌ی کوچک می‌دهد.



در منطقه روستایی فریسلند^۱ هلند، شهر کوچک لیوواردن میزبان پایتخت فرهنگی اروپا در سال ۲۰۱۸ بود که مشارکت گسترده شهروندان، همکاری بین نسلی و اثر اقتصادی قابل توجهی به همراه داشت. بازنگری رویدادها نشان داد، ۶۸٪ مردم منطقه درگیر رویدادها بودند و ۱۰٪ به صورت داوطلبانه کمک می کردند. همچنین پروژه های آموزشی فرهنگی به ۸۳٪ مدارس ابتدایی رسید. ۷۸٪ رویدادها شامل همکاری بین نسل های مختلف، با مهارت های صنایع دستی، نجاری و طراحی پارچه و مبادله بین افراد جوان و سالمند بود. اثر اقتصادی رویداد در محدوده ۲۳۰ میلیون یورو تا ۳۲۰ میلیون یورو برآورد شده بود.

فرسا، ۲۰۲۳، یوروسیتیز، ۲۰۱۹، متیوز، ۲۰۲۱.

Fresa, 2023; Eurocities, 2019; Matthews, 2021.



در شهر کوچک اومی هاجیمان ژاپن، بینال بیواکو^۲ به بازآفرینی منطقه کمک کرد. در این شهر با جمعیتی سالمند و ۱۴٪ خانه خالی از سکنه در منطقه بازرگانی قدیمی، خانه های متروکه، الهام بخش اولین بینال در ۲۰۰۱ شدند. خانه ها تبدیل به نمایشگاه هنری شدند، جایی که داوطلبان محلی داستان هایی در مورد تاریخ شهر و خانه هایشان می گفتند. تکیه بر هویت محلی باعث افتخارآفرینی در منطقه شد. فستیوال، باعث پیوستن کسب و کارهای تجاری، خرده فروشان و رستوران ها به منطقه شد. ۶۶٪ بازدیدکننده ها از خارج منطقه و از مناطق شهری مانند اوساکا، کیوتو و توکیو بودند. خیلی از آنها خانه های قدیمی را به شکل اولیه بازسازی کردند. این تغییرات به تدریج طی سال ها صورت گرفت و از پیر شدن بیشتر منطقه جلوگیری کرد. ۹۳٪ ساکنین بیان کردند که فستیوال هنر، جاذبه های شهرشان را افزایش داد. ۷۶٪ خرده فروشان در منطقه، فروششان افزایش یافت و ۸۰٪ آن ها تمایل به پشتیبانی فستیوال های آتی داشتند.



از ۵۰ سال بازآفرینی مبتنی بر فرهنگ چه آموخته‌ایم؟

چه شواهدی وجود دارد که براساس آن می‌توان گفت،
بازآفرینی مبتنی بر فرهنگ مؤثر است؟

شواهد نشان می‌دهد که بازآفرینی مبتنی بر فرهنگ در صورت فراهم بودن شرایط مناسب می‌تواند به طور عادلانه و پایدار به بهبود و تحول مکان‌ها کمک کند. ابتکارات فرهنگی دارای آثار اقتصادی، اجتماعی، محیط‌زیستی و فرهنگی هستند و در طول زمان به نوآوری، شکل‌گیری خوشه‌ها و رشد منطقه‌ای کمک کرده‌اند. هم‌چنین وجود دارایی‌های فرهنگی جامعه محور می‌تواند پیامدهای مثبتی برای محله‌های محروم داشته باشد و به تقویت سرمایه اجتماعی و احیای بافت‌های فرسوده کمک کند.

با این حال، اگرچه مطالعات موردی متعددی درباره پروژه‌های بازآفرینی مبتنی بر فرهنگ وجود دارد، شواهد تجربی درباره نقش فرهنگ در تحول مکانی همچنان پراکنده و عمدتاً کیفی است. تفکیک اثر ابتکارات فرهنگی از سایر عوامل پیچیده تحول دشوار است و این فرآیندها معمولاً در بلندمدت قابل مشاهده‌اند که نیازمند پژوهش‌های طولی پرهزینه است. هم‌چنین مقایسه پروژه‌ها به دلیل تفاوت‌های زمینه‌ای و اهداف محلی چالش برانگیز است.

بازآفرینی مبتنی بر فرهنگ ذاتاً مکان محور و وابسته به زمینه است، اما برخی الگوهای کلی موفقیت قابل شناسایی‌اند. پرسش کلیدی این است که «چه چیزی، برای چه کسی و در چه زمینه‌ای مؤثر است؟». هر تجربه بازآفرینی فرهنگی مبتنی بر زمینه محلی، نظام حکمرانی و اهداف خاص خود است. با این حال، مرور شواهد نشان می‌دهد که درس‌های مشترکی وجود دارد که در ادامه گزارش به آنها پرداخته می‌شود.

جمع‌بندی



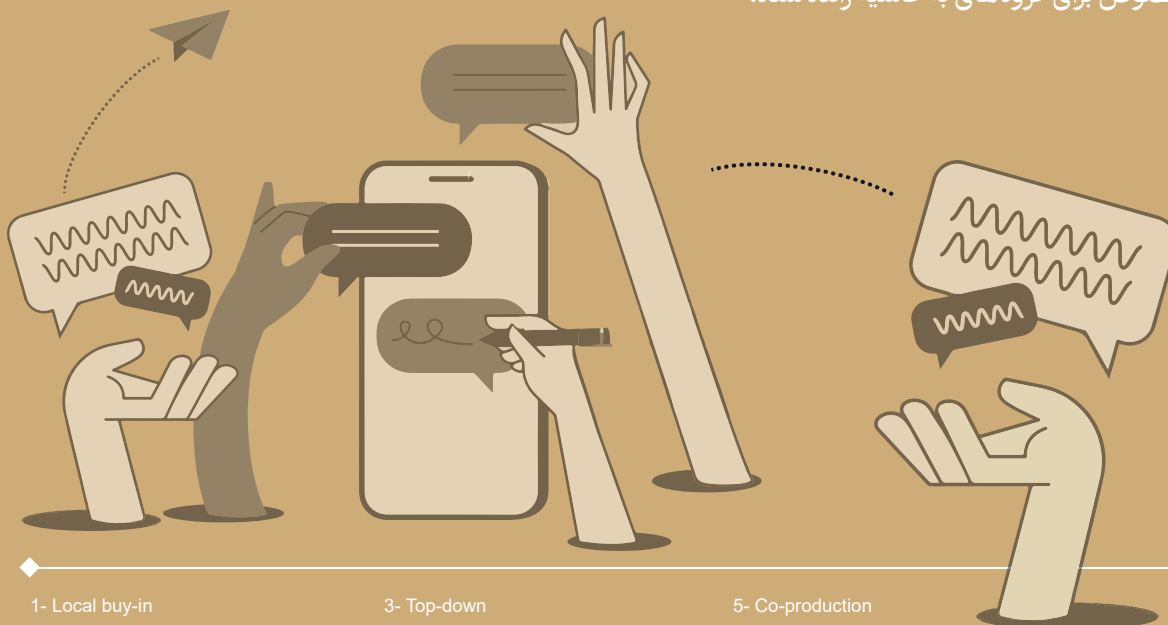
لطفاً اسکن کنید

تقویت پذیرش محلی از طریق هم آفرینی

پذیرش و همراهی جوامع محلی^۱ یک عامل موفقیت حیاتی برای بازآفرینی مبتنی بر فرهنگ است. اگرچه همراهی جامعه برای هر فرایند بازآفرینی مهم است، اما در بازآفرینی فرهنگ محور اهمیت ویژه‌ای دارد. دلیل آن این است که موفقیت نیازمند حمایت، تقویت و توسعه دارایی‌های فرهنگی موجود است؛ چه دارایی‌های ملموس مانند کتابخانه‌ها، موزه‌ها و... و چه دارایی‌های ناملموس مانند گروه‌های اجتماعی، فعالیت‌های میراثی و غیره. دست‌یابی به درک عمیق‌تر از دارایی‌های فرهنگی که می‌توان در پروژه‌های تحول مکانی از آنها بهره‌گرفت، می‌تواند اشکال مختلفی داشته باشد؛ از فعالیت‌های نقشه برداری فرهنگی^۲ برای شناسایی دارایی‌ها و نیازهای محلی، تا شیوه‌های حکمرانی (مانند مجامع شهروندی و همه‌پرسی‌ها) برای فهم دیدگاه‌های جامعه.

رویکردهای بالا به پایین^۳ در بازآفرینی که مشارکت ساکنان را کنار می‌گذارند، پذیرش محلی را محدود کرده و مقاومت اجتماعی ایجاد می‌کنند. سنجش اثر سرمایه‌گذاری‌های بازآفرینی شهری و عناصر فرهنگی ابتدا باید اهداف این سرمایه‌گذاری‌ها را در نظر بگیرد، به ویژه این که چه کسانی قرار است منتفع شوند و به چه شکلی. نکته کلیدی این است که مردم محلی در پروژه‌های فرهنگ محور ذینفع باشند و از آنها حمایت کنند؛ به طوری که این پروژه‌ها در روایت محلی جا بگیرند و جامعه بتواند خود را در آنها بازشناسد. این امر مستلزم ظرفیت‌سازی برای پروژه‌ها جهت ایجاد تعهد اجتماعی از طریق مشارکت فرهنگی فراگیر است، نه ابتکارات ابزاری و از بالا به پایین.

بازآفرینی مبتنی بر فرهنگ یک فرایند چندذینفعی است و زمانی اثربخش‌تر عمل می‌کند که از طریق هم‌آفرینی^۴ و هم‌تولیدی^۵ اجرا شود. پروژه‌های موفق آن‌هایی هستند که زیرساخت‌ها و همکاری‌های اجتماعی را از همان ابتدا در خود ادغام می‌کنند، نه به عنوان یک افزوده ثانویه. حکمرانی و ساختارهای اجرایی فراگیر، پذیرش اجتماعی، مشارکت و تداوم موفقیت را تقویت می‌کنند. مشارکت طیف متنوعی از ذینفعان محلی می‌تواند به پذیرش فرهنگی و نتایج بهتر منجر شود، به ویژه زمانی که جوامع خود را در چهره و هویت در حال تغییر یک مکان ببینند. با این حال، شواهد نشان می‌دهد که این اشکال مشارکت را نمی‌توان بدهی فرض کرد؛ بلکه باید پرورش داده شده، حمایت شوند و تسهیل‌گری گردند، به خصوص برای گروه‌های به حاشیه رانده شده.



1- Local buy-in
2- Cultural Mapping

3- Top-down
4- Co-creation

5- Co-production

مقابله با اعیان سازی از طریق سرمایه گذاری در جوامع محلی

انتقاد از بازآفرینی شهری با تبدیل شدن این فرآیند به پاسخی رایج به افول شهرهای صنعتی افزایش یافته است. جایی که فرهنگ بخشی از ترکیب بازآفرینی است، این انتقادات نیز وجود دارد؛ به ویژه زمانی که عناصر فرهنگی برای برندینگ یک طرح یا منطقه به کار می روند یا برای تعدیل بازتوسعه های رادیکال و خشن استفاده می شوند. این انتقادات به ویژه در ارتباط با استفاده از ساختمان های نمادین فرهنگی و رویدادهای عظیم برای «برندسازی مجدد» شهرها برجسته است. در مواردی که زیرساخت های نمادین اساساً به عنوان ابزار پرستیژ طراحی شده اند، ممکن است در ارتقای تصویر بیرونی شهر و جذب گردشگر موفق باشند، اما اغلب نیازهای اجتماعی و فرهنگی جوامع محلی را نادیده می گیرند. همان گونه که بیشتر اشاره شد، تلاش های برندسازی زمانی به تحول مکانی فراگیر منجر می شوند که روایت اصیل یک مکان و فرهنگ آن را بازتاب دهند و اطمینان حاصل شود که منافع اقتصادی محلی به طور گسترده توزیع می شود.

اصلی ترین انتقادی که به بازآفرینی شهری مبتنی بر فرهنگ وارد می شود، پدیده اعیان سازی است. اعیان سازی به جابجایی تدریجی ساکنان، کسب و کارها و فضاهای مقرون به صرفه محلی اشاره دارد که در نتیجه ورود ساکنان با درآمد بالاتر، بازدیدکنندگان جدید و افزایش هزینه املاک و خدمات شهری رخ می دهد. در بسیاری از نمونه های «موفق» بازآفرینی فرهنگی، قیمت مسکن و اجاره های تجاری افزایش یافته و همین امر موجب شده افرادی که در ابتدا به جذاب شدن محله کمک کرده اند (مانند هنرمندان و جوامع محلی) عملاً از آن منطقه حذف شوند. مقابله با این وضعیت مستلزم حمایت فعال از سازمان های هنری، به ویژه نهادهای عمومی و غیرانتفاعی، و همچنین حفاظت از حقوق ساکنان محلی است. تأمین مسکن اجتماعی و مقرون به صرفه و کنترل اجاره بها نیز از ابزارهای مهم در این زمینه به شمار می روند، هرچند این ابزارها بدون چالش نیستند.

سیاست های برنامه ریزی شهری می توانند به حفاظت از فرهنگ محلی در برابر اعیان سازی کمک کنند. کنترل کاربری زمین و مقررات ساختمانی می تواند برای توسعه فضاهای فرهنگی و کاربری های مختلط، حفاظت از دارایی های فرهنگی و تقویت تولید فرهنگی به کار گرفته شود. برای مثال، تعیین سهمیه برای فضاهای فرهنگی محلی، کارگاه ها یا فضاهای تمرین هنرمندان در پروژه های جدید، یا اعمال کنترل اجاره بها در مناطق یا برای گروه های خاص (مانند هنرمندان) می تواند ریسک جابجایی ساکنان محلی را کاهش دهد.

برداشت محدود از اینکه «چه چیزی فرهنگ محسوب می شود» می تواند به نادیده گرفتن دارایی های فرهنگی موجود منجر شود. این مسئله معمولاً در رویکردهای بالا به پایین دیده می شود؛ جایی که نگاه نخبه گرایانه به فرهنگ نه تنها می تواند گروه های اجتماعی مختلف را کنار بزند، بلکه دارایی های فرهنگی ارزشمند محلی را که می توانند بخشی از فرآیند بازآفرینی باشند نیز نادیده می گیرد.

تعیین اهداف واقع بینانه و ترکیب رویکردها

یک نکته آموزشی مهم از گذشته، نگرانی در مورد اهداف ناسازگار یا نامناسب، انتظارات بیش از حد بهینه و طراحی اشتباه برنامه ها برای آنچه در واقعیت می تواند حاصل شود، است.

راه بردهای بازآفرینی می تواند شامل اهداف متغیر و حتی ناسازگار باشد. بازآفرینی فرهنگی از یک طرف می تواند درگیر توسعه جامعه و تصریح عقاید باشد، از طرف دیگر اهداف اقتصادی را دنبال کند. پروژه هایی که بازده کوتاه مدت اقتصادی آن ها، بر توسعه جامعه در بلند مدت اولویت دارد، احتمالاً در فرایند تحول مکان موفق نیستند. به علاوه موفقیت بازآفرینی مبتنی بر فرهنگ نیاز به تعهد بلندمدت و سرمایه گذاری سیاستی مؤثر دارد، به این معنا که سیاست گذاران باید در مورد آنچه می تواند حاصل شود، واقع نگر باشند.

چارچوب زمانی بلندمدت تر برای تأمین مالی پروژه ها می تواند شبکه ها را برای ایجاد توسعه توانا کند و بنابراین اثر را افزایش دهد. شواهد نشان می دهند که ابتکارات بازآفرینی مبتنی بر فرهنگ که دوره های تأمین مالی بلندمدت تر دارند احتمالاً تغییرات مثبت ایجاد می کنند (لی و نات، ۲۰۲۱). این به خصوص در مناطقی با چالش های اقتصادی-اجتماعی ریشه ای نظیر فقر و مشغولیت فرهنگی پایین، که برای ایجاد شبکه های فرهنگی جدید نیاز به زمان بیشتر دارند، بیشتر احساس می شود.

روش های ترکیبی و سرمایه گذاری در جنبه های متفاوت بازآفرینی مبتنی بر فرهنگ طی زمان می تواند منجر به تحولات با قابلیت تاب آوری بیشتر شود. بازآفرینی بلندمدت باعث توسعه بیشتر شده و در بیشتر مثال های موفق روش های چندگانه طی زمان به کار رفته است. برای مثال با بناهای فرهنگی شروع شده و رویدادها، اجتماعات یا راهبردهای فرهنگی به مرور ایجاد شده اند. این روش نسبت به تمرکز بر یک نوع سرمایه گذاری فرهنگی، بیشتر نیاز به برنامه ریزی فرهنگی خلاق دارد.

سرمایه گذاری در سیاست ها و زیرساخت های مکمل برای پشتیبانی بازآفرینی مبتنی بر فرهنگ مورد نیاز است. در بیشتر موارد، ساخت یک تسهیلات فرهنگی جدید یا میزبانی یک رویداد بزرگ، اثر محدودی بر اشتغال محلی و بهبود اقتصادی بلندمدت یک منطقه دارد، مگر این که با سرمایه گذاری در یک زیرساخت، مهارت و یا یک بخش کمکی همراه شود. جایی که برنامه ها با راهبردهای جامع تر آغاز شده اند مانند توسعه صنایع خلاق پشتیبان، ارتقای توریسم یا بالابردن تخصص ساکنان محلی، جزء فرهنگی بازآفرینی می تواند به برنامه های توسعه ای وسیع تر منجر شود.

تمرکز بر ارزیابی های طولی و مبتنی بر فرآیند برای تقویت شواهد تجربی ضروری است.

کمبود تحقیقات طولی در این حوزه نشان می دهد که به تلاش و منابع بیشتری برای توسعه مدل های ارزیابی اثرات قوی نیاز است. اندازه گیری اثرات فرهنگی بازآفرینی مستلزم رویکردی طولی، تولید داده های پشتیبان و درک «نظریه تغییر»^۲ است؛ یعنی این که اثرات چگونه و از چه مسیری ایجاد می شوند. بنابراین، ارزیابی فرآیند باید هم سنگ ارزیابی نتایج در نظر گرفته شود.

انخاذ رویکردی نظام مند در فهم بازآفرینی مبتنی بر فرهنگ می تواند بسیار مفید باشد. چنین رویکردی امکان مشاهده بده بستان هامیان انواع مختلف اثرات (اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی) را فراهم می کند. برای نمونه، رشد اقتصادی منطقه ای ممکن است انسجام اجتماعی را تضعیف کرده یا به تخریب فضاهای سبز منجر شود. درک جامع تر ارزش فرهنگ، همراه با رویکردهای مشارکتی و چنددینفعی در ارزیابی، می تواند گامی اساسی در غلبه بر این چالش ها و نشان دادن نقش فرهنگ در تحول مکان ها باشد.

شماره یک



نقش بازآفرینی مبتنی بر فرهنگ در تحول و توسعه مکان

دیدهبان خلاق

سلسله گزارش

The role of culture-led regeneration in place transformation

شماره یک

